خرداد ماه ۱۳۴۵ — دورهٔ ششم شماره پانزدهم

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

بیاری دوستانی بشتابیم که درآستان نیستی ایستاده اند !
دست دژخیم را بازداریم !

(از راست بچپ) پرویز حکمت جو ، علی خاوری

بمناسبت اول ژوئن روز جهانی کودک

همه پدران و مادران ، همه سازمانهای زنان را فرا میخوانیم تا در راه اجرای «اعلامیه حقوق کودک» پیکار کنند !

اعلامیه‌ای که درحقائق تنها به عرصهٔ هستی تبدیل یافته شده است

از لحظه‌ای که کودک پا به عرصهٔ هستی میگذارد حقوقی روی حقائق میگیرد که جامعه موظف به‌تأمین آنها ، موظف به‌حمایت از کودک در برابر تمام مشکلاتی است که‌مانع رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی وی میشود . بخصوص از آنجهت که کودک انسانی است ناتوان ، حمایت جامعه از وی جنبه خاصی دارد . زیرا سالمندان در موارد نقض حقوق‌انسانی میتوانند خودشخصاً بمبارزه احیاء و تأمین حقوق خویش مبارزه کنند ولی‌کودکان که بعلت فقدان اقلیت‌جسمی و فکری قادر به مطالبه حقوق خویش نیستند ، توجه دقیق به حقوق آنان در حیطهٔ وظائف دولتها ، خانواده ها و سازمانهای مربوطه قرار میگیرد . از این نظر در کشور های مترقی همهٔ امکانات برای پرورش جسمی و فکری کودکان آماده است و شخصیت کودک بعنوان سازندهٔ جهان فردا مورد توجه قرار دارد . اما این فقط در بخشی از جهان است‌که مردم به سرنوشت خویش حاکم اند ، و در بخش عظیم از ، یا کودکان بعنوان موجودات صاحب حقوق اصولا بحساب نمیآیند و یا در زمینه های بسیار ، حقوق آنها نقض میشود . بدینجهت است‌که پس از جنگ جهانی دوم ، در کشور های مختلف ، سازمانهای دفاع‌از کودک بوجود آمد وسازمان ملل که زمانی ، اعلامیه حقوق بشر را تصویب کرده بود ، بر اثر مبارزهٔ این سازمانها خود را ناگزیر یافت برای توجه مخصوص دولتها به حقوق کودکان ، «اعلامیه حقوق کودک» را در نوامبر سال ۱۹۵۹ نشر دهد . اما همانطور که اعلامیه حقوق بشر از جانب بسیاری از دولتها نقض شده ، اعلامیه حقوق کودک، نیز بفراموشی سپرده شده است و نمونه کامل این هر دو را در کشور خودمان می‌بینیم . از آنجهت که این اعلامیه پس ازهفت‌سال از صدور آن ، از طرف‌رژیم شاه نادیده گرفته شده وضع کودکان ایران را درچار چوب همین‌اعلامیه بررسی میکنیم و از پدران ومادران ایرانی دعوت میکنیم تا همانطور که در راه تحقق اعلامیه حقوق بشر علیه رژیم شاه مبارزه میکنند برای تأمین خوشبختی کودکان خویش ، اجرای اعلامیه‌حقوق کودک را از دولت مصرانه خواستار شوند.

«اعلامیه حقوق کودک» چه می گوید ؟

با اینحال جمله آغاز میشود : « سلامت جسمی و فکری کودکان باید نخستین آرزوی هر ملتی باشد . و سپس تأکید میشود که : « هر کودک باید امکانات رشد و پرورش در شرایط عادی را دارا باشد . دولتی به تشویق‌نشده که نه تنها شرایط عادی رشد و پرورش برای کودکان ما فراهم نیست بلکه‌آنها بعنوان معصوم ترین افرادکشور رژیم سلامت جسم و روحشان را خطرات عدیده تهدید میکند ،

مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ قانون مدنی باید تغییر کند

بموجب «اعلامیه حقوق کودک » ، کودک نباید در سنین اولیه حیات (جز درموارد‌فوق‌العاده استثنائی) از مادر جدا شود . بدون تردید اجرای این ماده از شرایط ضروری تأمین‌سعادت کودک است . کودکانی که از آغوش مادر جدامیمانند بخصوص در کشوری نظیر کشور ما که جهل وبیسوادی در آن ریشه های عمیق دارد ، غالباً مورد بغض و نفرت نامادری خویش قرار میگیرند و اگر آنچنان که در روزنامه ها میخوانیم ، حیاتشان مورد تهدید قرار نگیرد آماج کین ، تحقیر ، کتیبه و توهین‌دائمی هستند . روشن است‌کودکی که محبت نه بیند و تهال‌وجودش از سرچشمهٔ عشق و محبت مادر سیراب نشود ، عقده‌های فراوان روحی سرطبر زندگی او را تحت تأثیر میگیرد. برای اجرای همین ماده از منشور حقوق کودک لازم است ماده ۱۱۶۹ حقوق مدنی که به مرد حق میدهد پس از وقوع طلاق فرزند پسر را در ۲ سالگی و دختر را در ۷ سالگی از آغوش مادر جدا کند و نیز ماده ۱۱۷۰ که مرد را قیمی میداند چنانچه مادر ، شوهر کند حتی قبل از سنین ۲ و ۷ کودک را از مادر جدا سازد منسوخ و مردود اعلام شود .

بقیه در صفحه ۴

نطق رفیق رضا رادمنش

در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چکواسلواکی

رفقای عزیز !

اجازه دهید درود های پرشور کمیته مرکزی حزب توده ایران ، و همه اعضاء حزب و همه مردم زحمتکش و مترقی ایران را بمناسبت تشکیل سیزدهمین کنگره حزب تان ، به شما و بوسیله شما بهمه مردم زحمتکش چکواسلواکی تقدیم دارم و موفقیتهای بازهم بیشتری را برای شما آرزو کنم

کنگره سیزدهم حزب کمونیست چکواسلواکی حادثه مهمی درتاریخ حزب کمونیست چکواسلواکی و مرحله جدیدی در جهت بسط و تکامل همه جانبه جامعه رشد یافته سوسیالیستی شما بشمار میرود . کنگرهٔ شما گام مهمی در جهت تحکیم و تقویت اردوگاه سوسیالیستی و تمایلات جدیدی از وحدت جنبش کمونیستی و کارگری در تلاش جهانی است .

امپریالیسم و ارتجاع از پیروزی هائیکه نصیب اردوگاه سوسیالیستی ، جنبشهای رهائی بخش‌ملی وجنبش کمونیستی وکارگری جهانی میگردد هراسناک است . همه جا مستقیم یا بوسیله عوامل خود میکوشد سیر پرومه انقلاب جهانی را متوقف سازد .

ما هر روز شاهد و ناظر تشدید تلاشهای ارتجاعی امپریالیسم و ارتجاع جهانی هستیم ویتنام ، کوبا ، کشور هائی از خاور میانه و خاور نزدیک مظاهر چند بارزی از توطئه و تجاوز و تهاجم امپریالیستی است که اعتراض و نفرت و انزجار و خشم و غضب تمام بشریت مترقی را علیه خود برانگیخته است .

میهن ما ایران از دیر زمانی است که پیکر تازه صحنه هائی مهم توطئه و تجاوز امپریالیستی مبدل شده است . مردم کشور ما در زیر سلطهٔ همه جانبه سیاه ترین مستقل امپریالیستی جهانی در شرایط رژیم ضد ملی و استبدادی از ابتذال‌ترین حقوق دموکراتیک محرومند هر روز گروههائی تازه ای از عناصر ملی و دموکراتیک جامعه با بدادگههای نظامی جلب میشوند و بحبس های سنگین و اعدام محکوم میگردند .

هم اکنون دو نفر از رفقای ما ، رفقا پرویز حکمت‌جو و علی خاوری در مرحله نخست محاکم نظامی تهران بمرگ محکوم شده اند .

حزب ما از این تریبون بزرگ و تاریخی از همهٔ احزاب برادر از آن جمله از حزب کمونیست چکواسلواکی و از همه گروههای ملی و دموکراتیک و از همه شخصیت های برجسته علمی و اجتماعی که در سراسر جهان به احکام اعدام رفقای ما که گناهی جز دفاع از حق و عدالت و دفاع از آزادی و استقلال

بقیه در صفحه ۶

یك گام بجلو از طرف کنگره جبهه ملی (بخش امریکا)

در تعیین هـدف و راه و مـبارزه

اخیراً شماره ۱۴ (اردیبهشت ماه ۱۳۴۵) روزنامه «باختر امروز» ارگان جبهه ملی ایران (بخش امریکا) بدست ما رسید . این روزنامه از برگزاری کنگره جبهه ملی ایران (بخش امریکا) در تاریخ ۹ و ۱۰ آوریل در شهر نیویورك با شرکت نمایندگان سازمان سابق جبهه ملی ایران در تبعید و سازمان سابق جبهه ملی ایران در امریکا خبر میدهد . دو سازمان نامبرده خود را منحل شده اعلام کردند و افراد آن در سازمان واحدی بنام «جبهه ملی ایران (بخش امریکا)» گرد آمدند . از آنجا که اتحاد وتشکل نیروهای ضدرژیم از نظر ما حادثه‌ای است بسود نهضت رهائی‌بخش ایران، لذا ما به نوبه خود از پیدایش سازمان واحد جبهه ملی ایران در امریکا خرسندیم .

درهمین شماره ملی مقاله ای تحت‌عنوان «فصلی نو در مبارزه» گفته شده است که اساسی ترین عمل کنگره جبهه ملی ایران (بخش امریکا) تغییر اصل دوم از اصول سه‌گانه هدف های جبهه ملی ایران در قسمت مربوط باستراتژی مبارزه جبهه بود . مقصود آقایان از عبارت «استراتژی مبارزه» همان چیزیست که ما راه و شیوه مبارزه و انقلاب مینامیم . باری در این مقاله ذکر شده است که موافق اصل دوم هدفهای جبهه ملی ایران مصوب سال ۱۳۳۹ هدف جبهه عبارت بود از «استقرار حکومت قانونی» وراه نیل‌آن عبارت بود از «انتخابات عمومی و آزاد» . در مقاله توضیح داده شده است که اصل‌فوق زمانی طرح و تصویب شد که جبهه ملی در ایران پس از «یك مرحلهٔ طولانی خفقان بمعلق سیاسی . . . مجدداً در معیطی که در آن ندای دروغین «انتخابات آزاد» از طرف رژیم شاه داده شده بود » مبارزه خود را شروع میکرد . روزنامه «باختر امروز» سپس مینویسد ، «از آن پیمد تاکنون جهت مبارزه جبهه ملی ایران در کادر قانون اساسی برای تحمیل یك انتخابات آزاد بحکومت‌خود کامه شاه بوده است» . باختر امروز سپس نتایج اجراء این تاکتیك پارلمانی را مورد مداقه و سنجش قرار میدهد و نتیجه میگیرد ، «استراتژی انتخابات آزاد و یا تنها مبارزه در کادر قانون اساسی و چسبیدن بآن (که تازه تعدادی از مواد آنهم در اثر توطئه‌های مکرر و مجلس مؤسسان فلاتی تغییر روح و ماهیت داده و عملاً و عملا در خلاف جهت منافع ملی و انسانی ملتها عوض شده است) آنهم در مقابل دستگاهی که بآن معتقد نیست و برخلاف قانون همه کار میکند و در مقابل

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

همه پدر و مادران ، همه سازمانهای زنان را فرا میخوانیم تا در راه اجرای «اعلامیه حقوق کودک» پیکار کنند !

دولت جانشین خانواده

برای آنکه اهمیت توجه خانواده در پرورش روحی کودکان تصریح گردد، اعلامیه‌ها کیفیت‌کند در مورد کودکان پنج اقدامات دولت‌ها باید بنحوی‌باشد که جای خانواده را پر کند ، یعنی کودک باید با وجود فقدان پدر و مادر چنان مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود را در آغوش خانواده احساس نماید . اما سرنوشت غم‌انگیز کودکان یتیم در میهن ما ، از کسی پنهان نیست ، کودکانی که در زیر پلها ، گوشه خیابانها ، در آغوش سگها و کنار مسجد ها شب را به روز میآورند ، بیسواد ، فسلد و خودرو بار میآیند و هیچ تفاوتی از آنها حمایت نمیکند . اکثر این عده قلیلی هم که در یتیم خانه ها بزرگ میشوند نه تنها اقدامات دولت بنحوی نیست که خود را در آغوش خانواده خویش حس کنند بلکه بیکس‌تر هم شده ، دردرونشان یتیمی را در قلب کوچك خویش احساس میکنند . از کودکان سر راهی که در کنار تلهای خاکروبه و اصناف تاریك گیج پس کوچه ها ، طعمهٔ سرما و سگی خورده میشوند نیز چه داد باید کرد . فقط در تهران روزانه بین ۵ تا ۱۰ طفل سر راه گذارده میشوند و مؤسسات خیریه وملت پر بسودن ضرورت آن اول ، آنها خود داری میکنند . (اطلاعات ۲۱ شهریور ۱۳۴۲) اینها سرنوشت اسف انگیزتری دارند زیرا اگر هم زنده بمانند جامعه بعنوان کودك نفرت‌زدهٔ آنان پیشرفته جهش هیچگونه امتیازی بین اینسمه از کودکان و کودکانی که ثمرهٔ ازدواج قانونی زن و مرد هستند وجود ندارد زیرا کودکیرا گناهی نیست و عدالت چنین حکم میکند .

« هر کودکی باید از بدو تولد موجبات رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی او فراهم گردد » اجرای این ماده از اعلامیه حقوق کودك وظایف گوناگونی را در زمینهٔ تأمین معاش ، مسکن ، بهداشت و فرهنگ کودکان بر عهدهٔ دولتها میگذارد ، آیا رژیم شاه بوظایف خود در این زمینه توجه داشته است ؟

فقر عمومی ، جهات و رشد جسمانی کودکان ما را بخطر انداخته است

آنکه کودکی رشد عادی جسمانی داشته باشد نا بتواند حد اقل از سنین متوسط عمر انسان بر خوردار شود لازمست غذا و پوشاك کافی ممکن تعبیر و آفتابگیر ، پزشك و دارو در اختیار داشته باشد تا در برابر بیماریهای گوناگون حفظ شود ، اما فقر عمومی در جنگ ما موجب شده است که اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند. سوء تغذیه ، فقدان پوشاك کافی، مساکن غیر بهداشتی و نبودن پزشك و دارو ، مرگ و میر را در بین کودکان به امری رایج و معمولی تبدیل ساخته است . علاوه بر آنکه ، این عوامل منفی در رشد جسمی کودکان حتی در خانواده‌های شهر نشین که نسبت به روستائیان از رفاه بیشتری بر خوردارند تأثیر خود را باقی گذاشته است . اینهای در دورانی لغت وزیری خود اعتراف کرده که : « اطفال جنوب و شمال شهر از لحاظ قد و اندام تفاوت فاحشی دارند »

اکثریت کودکان ما گرسنه و نیمه گرسنه‌اند در روستاهای دور افتاده ایران کودکان با گیاه ، حشره عمده خود را سیر میکنند و در شهر ها غذای ناکافی سلامتی آنانرا بخطر میاندازد . خانه های روستائی مرکز تشو و نمای انواع میکروبها و آفت سلامتی کودکان است . در این خانه ها انسان و گاو و گوسفند و مرغ و خروس و سگ و گربه در کنار هم بسر میبرند و کودکان که لطیف تر و مستعد تر برای ابتلا بیماریهای گوناگون هستند خیلی زود سلامتی خود را از دست میدهند . طبق گزارش رسمی وزارت کار در همین تهران ، در کنار کاخهای رفیع ، ساکنین گود ها که تعدادشان چندین هزار نفر بر آورده شده از اطاق نشین عده بیجای طویله هم استفاده میکنند ودر همین طویله های بی در و پیکر است که کودکان معصوم در کنار حیوانات میخورند و بخوابند .

سطح نازل بهداشت در ایران بیش از بزرگسالان ، زندگی کودکان را دچار خطر میکند . کودکان روستائی در اکثریت مطلق خود رنگ پزشك و دارو نمی بینند و در شهر ها نیز خانواده های متوسط و بی چیز بعلت گرانی دارو و درمان ، کودکان خویش را بهنگام بیماری بدست قضا و قدر می سپرند . بر این اساس است که طبق نوشته روزنامه اطلاعات ، در سال ۱۳۴۳ ، ۵۲ در صد تلفات در سنین بیست بدو تولد کاه ۵ سالگی بوده است .

ماده ۲۶ ، اعلامیه حقوق بشر، تصریح میکند که هر کسی حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود ، و مطابق تصمیم سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۶۰ تمام کشور ها متعهد شده اند که : « امکان تحصیلات ابتدائی اجباری و مجانی را برای مردم فراهم کنند ، اما سیستم فرهنگی ما که روز بروز بیشتر محتوی طرفداری خود را آشکار میسازد نقض آشکار اعلامیه حقوق بشر و تصمیم یونسکو است .

در فرهنگ طبقاتی مانع عمده پرورش فکری و روحی کودکان است

رژیم شاه دربارهٔ تعلیمات اجباری و مبارزه با بیسوادی بتبلیغ تبلیغاتی خود را بر پهنه گیتی گشوده است این وجود ایران را از نظر تعداد بیسوادان همچنان در شمار کشور های عقب مانده دنیاست شاه مدعی است که منشور ۶ ماده‌ای وی بجنگ بیسوادی در روستای ایران رفیه است ولی همه میدانند که حتی در تهران مدرسان کافی وجود ندارد . هر سال بنا به آمار رسمی ۵۲ در صد از کودکان بسن تحصیل اطفال تحصیل نمی یابند . اکثریت مطلق کودکان ده و نیمی از کودکان شهر نشین در دورانی که باید سرفرض وشاد درس بخوانند و بازی کنند ، با کار و زحمت آشنا میشوند . کارخانه ها ، کارگاهها و مزارع ایران ، مرعهٔ استثمار وحشیانه کودکان خردسالی است که بجای تحصیل به اروش نیروی کار خود مجبور شده‌اند . با آنکه کار کودکان کمتر از ۱۲ سال حتی بموجب قانون کار موجود منع شده ، ولی اکثریت کارخانه‌ها و کارگاههای ایران از وجود کودکان خردسال استفاده میکنند . اعلامیه حقوق کودك ، استعمال کودکان را صریحاً نمی نموده و بدآور شده است که حمایت از کودك در برابر تمام اشکال استعمال لازم و ضروری است .

علاوه بر حقوق کودك در زمینه تعلیم و تربیت

برای آنکه کودکان افراد مفید و کار آمدی برای اجتماع خود باشند ، در اعلامیه تصریح شده است که باید آنانرا از خطرات ناشی ، از فیلم ها ، کتاب ها و مجلات و برنامه های رادیو وتلویزیونی که بپرورش روحی و اخلاقی کودکان زیان میرساند بر کنار داشت و بدینمنظور انتشار کتابها و مجلات خاص کودکان تهیه فیلمهای تربیتی، تنظیم برنامه‌های رادیو تلویزیونی که به رشد روحی و شخصیت اخلاقی کودك کمك کند توصیه شده است . اما همه میدانند فیلم های که کودکانرا مالامالا میکنند ، مجلات و کتابهائی که میفروشند و اکثریت برنامه های رادیو و تلویزیون تا چه حد برای کودکان زیان‌بخش و گمراه کننده‌اند

و در پرورش روحی کودك که تنها نقش تربیتی ندارند بلکه عامل انحطاط و تخریب هستند . اکنون فقط چند سالی است که به ترجمه‌و تدوین برخی کتابهای خاص کودکان اقدام شده است ، تازه این کتابها هم غیر کافی و هم در اکثریت مطلق خود منطبق با نیاز روحی کودکان ما نیست .

توجه خانواده در پرورش روحی کودکان تصریح گردد

اعلامیه‌ها کیفیت‌کند در مورد کودکان پنجم اقدامات دولت‌ها باید بنحوی‌باشد که جای خانواده را پر کند ، یعنی کودك باید با وجود فقدان پدر و مادر چنان مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود را در آغوش خانواده احساس نماید . اما سرنوشت غم‌انگیز کودکان یتیم در میهن ما ، از کسی پنهان نیست ، کودکانی که در زیر پلها ، گوشه خیابانها ، در آغوش سگها و کنار مسجد ها شب را به روز میآورند ، بیسواد ، فسلد و خودرو بار میآیند و هیچ تفاوتی از آنها حمایت نمیکند . اما فقر عمومی هم که در یتیم خانه ها بزرگ میشوند نه تنها اقدامات دولت بنحوی نیست که خود را در آغوش خانواده خویش حس کنند بلکه بیکس‌تر هم شده ، دردرونشان یتیمی را در قلب کوچك خویش احساس میکنند . از کودکان سر راهی که در کنار تلهای خاکروبه و اصناف تاریك گیج پس کوچه ها ، طعمهٔ سرما و سگی خورده میشوند نیز چه داد باید کرد . فقط در تهران روزانه بین ۵ تا ۱۰ طفل سر راه گذارده میشوند و مؤسسات خیریه وملت پر بسودن ضرورت آن اول ، آنها خود داری میکنند . (اطلاعات ۲۱ شهریور ۱۳۴۲) اینها سرنوشت اسف انگیزتری دارند زیرا اگر هم زنده بمانند جامعه بعنوان کودك نفرت‌زدهٔ آنان را خوار میشمارد . در حالیکه در تمام کشور های پیشرفته جهش هیچگونه امتیازی بین اینسمه از کودکان و کودکانی که ثمرهٔ ازدواج قانونی زن و مرد هستند وجود ندارد زیرا کودکیرا گناهی نیست و عدالت چنین حکم میکند .

« هر کودکی باید از بدو تولد موجبات رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی او فراهم گردد » اجرای این ماده از اعلامیه حقوق کودك وظایف گوناگونی را در زمینهٔ تأمین معاش ، مسکن ، بهداشت و فرهنگ کودکان بر عهدهٔ دولتها میگذارد ، آیا رژیم شاه بوظایف خود در این زمینه توجه داشته است ؟

فقر عمومی ، جهات و رشد جسمانی کودکان ما را بخطر انداخته است

تعبیر و آفتابگیر ، پزشك و دارو در اختیار داشته باشد تا در برابر بیماریهای گوناگون حفظ شود ، اما فقر عمومی در جنگ ما موجب شده است که اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند. سوء تغذیه ، فقدان پوشاك کافی، مساکن غیر بهداشتی و نبودن پزشك و دارو ، مرگ و میر را در بین کودکان به امری رایج و معمولی تبدیل ساخته است . علاوه بر آنکه ، این عوامل منفی در رشد جسمی کودکان حتی در خانواده‌های شهر نشین که نسبت به روستائیان از رفاه بیشتری بر خوردارند تأثیر خود را باقی گذاشته است . اینهای در دورانی لغت وزیری خود اعتراف کرده که : « اطفال جنوب و شمال شهر از لحاظ قد و اندام تفاوت فاحشی دارند »

اکثریت کودکان ما گرسنه و نیمه گرسنه‌اند در روستاهای دور افتاده ایران کودکان با گیاه ، حشره عمده خود را سیر میکنند و در شهر ها غذای ناکافی سلامتی آنانرا بخطر میاندازد . خانه های روستائی مرکز تشو و نمای انواع میکروبها و آفت سلامتی کودکان است . در این خانه ها انسان و گاو و گوسفند و مرغ و خروس و سگ و گربه در کنار هم بسر میبرند و کودکان که لطیف تر و مستعد تر برای ابتلا بیماریهای گوناگون هستند خیلی زود سلامتی خود را از دست میدهند . طبق گزارش رسمی وزارت کار در همین تهران ، در کنار کاخهای رفیع ، ساکنین گود ها که تعدادشان چندین هزار نفر بر آورده شده از اطاق نشین عده بیجای طویله هم استفاده میکنند ودر همین طویله های بی در و پیکر است که کودکان معصوم در کنار حیوانات میخورند و بخوابند .

سطح نازل بهداشت در ایران بیش از بزرگسالان ، زندگی کودکان را دچار خطر میکند .

کودکان روستائی در اکثریت مطلق خود رنگ پزشك و دارو نمی بینند و در شهر ها نیز خانواده های متوسط و بی چیز بعلت گرانی دارو و درمان ، کودکان خویش را بهنگام بیماری بدست قضا و قدر می سپرند . بر این اساس است که طبق نوشته روزنامه اطلاعات ، در سال ۱۳۴۳ ، ۵۲ در صد تلفات در سنین بیست بدو تولد کاه ۵ سالگی بوده است .

ماده ۲۶ ، اعلامیه حقوق بشر، تصریح میکند که هر کسی حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود ، و مطابق تصمیم سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۶۰ تمام کشور ها متعهد شده اند که : « امکان تحصیلات ابتدائی اجباری و مجانی را برای مردم فراهم کنند ، اما سیستم فرهنگی ما که روز بروز بیشتر محتوی طرفداری خود را آشکار میسازد نقض آشکار اعلامیه حقوق بشر و تصمیم یونسکو است .

رژیم شاه دربارهٔ تعلیمات اجباری و مبارزه با بیسوادی بتبلیغ تبلیغاتی خود را بر پهنه گیتی گشوده است این وجود ایران را از نظر تعداد بیسوادان همچنان در شمار کشور های عقب مانده دنیاست شاه مدعی است که منشور ۶ ماده‌ای وی بجنگ بیسوادی در روستای ایران رفیه است ولی همه میدانند که حتی در تهران مدرسان کافی وجود ندارد . هر سال بنا به آمار رسمی ۵۲ در صد از کودکان بسن تحصیل اطفال تحصیل نمی یابند . اکثریت مطلق کودکان ده و نیمی از کودکان شهر نشین در دورانی که باید سرفرض وشاد درس بخوانند و بازی کنند ، با کار و زحمت آشنا میشوند . کارخانه ها ، کارگاهها و مزارع ایران ، مرعهٔ استثمار وحشیانه کودکان خردسالی است که بجای تحصیل به اروش نیروی کار خود مجبور شده‌اند . با آنکه کار کودکان کمتر از ۱۲ سال حتی بموجب قانون کار موجود منع شده ، ولی اکثریت کارخانه‌ها و کارگاههای ایران از وجود کودکان خردسال استفاده میکنند . اعلامیه حقوق کودك ، استعمال کودکان را صریحاً نمی نموده و بدآور شده است که حمایت از کودك در برابر تمام اشکال استعمال لازم و ضروری است .

علاوه بر حقوق کودك در زمینه تعلیم و تربیت

برای آنکه کودکان افراد مفید و کار آمدی برای اجتماع خود باشند ، در اعلامیه تصریح شده است که باید آنانرا از خطرات ناشی ، از فیلم ها ، کتاب ها و مجلات و برنامه های رادیو تلویزیونی که بپرورش روحی و اخلاقی کودکان زیان میرساند بر کنار داشت و بدینمنظور انتشار کتابها و مجلات خاص کودکان تهیه فیلمهای تربیتی، تنظیم برنامه‌های رادیو تلویزیونی که به رشد روحی و شخصیت اخلاقی کودك کمك کند توصیه شده است . اما همه میدانند فیلم ها که کودکانرا مالامالا میکنند ، مجلات و کتابهائی که میفروشند و اکثریت برنامه های رادیو و تلویزیون تا چه حد برای کودکان زیان‌بخش و گمراه کننده‌اند

و در پرورش روحی کودك که تنها نقش تربیتی ندارند بلکه عامل انحطاط و تخریب هستند . اکنون فقط چند سالی است که به ترجمه‌و تدوین برخی کتابهای خاص کودکان اقدام شده است ، تازه این کتابها هم غیر کافی و هم در اکثریت مطلق خود منطبق با نیاز روحی کودکان ما نیست .

توجه خانواده در پرورش روحی کودکان تصریح گردد

اعلامیه‌ها کیفیت‌کند در مورد کودکان پنجم اقدامات دولت‌ها باید بنحوی‌باشد که جای خانواده را پر کند ، یعنی کودك باید با وجود فقدان پدر و مادر چنان مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود را در آغوش خانواده احساس نماید . اما سرنوشت غم‌انگیز کودکان یتیم در میهن ما ، از کسی پنهان نیست ، کودکانی که در زیر پلها ، گوشه خیابانها ، در آغوش سگها و کنار مسجد ها شب را به روز میآورند ، بیسواد ، فسلد و خودرو بار میآیند و هیچ تفاوتی از آنها حمایت نمیکند . اما فقر عمومی هم که در یتیم خانه ها بزرگ میشوند نه تنها اقدامات دولت بنحوی نیست که خود را در آغوش خانواده خویش حس کنند بلکه بیکس‌تر هم شده ، دردرونشان یتیمی را در قلب کوچك خویش احساس میکنند . از کودکان سر راهی که در کنار تلهای خاکروبه و اصناف تاریك گیج پس کوچه ها ، طعمهٔ سرما و سگی خورده میشوند نیز چه داد باید کرد . فقط در تهران روزانه بین ۵ تا ۱۰ طفل سر راه گذارده میشوند و مؤسسات خیریه وملت پر بسودن ضرورت آن اول ، آنها خود داری میکنند . (اطلاعات ۲۱ شهریور ۱۳۴۲) اینها سرنوشت اسف انگیزتری دارند زیرا اگر هم زنده بمانند جامعه بعنوان کودك نفرت‌زدهٔ آنان را خوار میشمارد . در حالیکه در تمام کشور های پیشرفته جهش هیچگونه امتیازی بین اینسمه از کودکان و کودکانی که ثمرهٔ ازدواج قانونی زن و مرد هستند وجود ندارد زیرا کودکیرا گناهی نیست و عدالت چنین حکم میکند .

« هر کودکی باید از بدو تولد موجبات رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی او فراهم گردد » اجرای این ماده از اعلامیه حقوق کودك وظایف گوناگونی را در زمینهٔ تأمین معاش ، مسکن ، بهداشت و فرهنگ کودکان بر عهدهٔ دولتها میگذارد ، آیا رژیم شاه بوظایف خود در این زمینه توجه داشته است ؟

فقر عمومی ، جهات و رشد جسمانی کودکان ما را بخطر انداخته است

تعبیر و آفتابگیر ، پزشك و دارو در اختیار داشته باشد تا در برابر بیماریهای گوناگون حفظ شود ، اما فقر عمومی در جنگ ما موجب شده است که اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند. سوء تغذیه ، فقدان پوشاك کافی، مساکن غیر بهداشتی و نبودن پزشك و دارو ، مرگ و میر را در بین کودکان به امری رایج و معمولی تبدیل ساخته است . علاوه بر آنکه ، این عوامل منفی در رشد جسمی کودکان حتی در خانواده‌های شهر نشین که نسبت به روستائیان از رفاه بیشتری بر خوردارند تأثیر خود را باقی گذاشته است . اینهای در دورانی لغت وزیری خود اعتراف کرده که : « اطفال جنوب و شمال شهر از لحاظ قد و اندام تفاوت فاحشی دارند »

اکثریت کودکان ما گرسنه و نیمه گرسنه‌اند در روستاهای دور افتاده ایران کودکان با گیاه ، حشره عمده خود را سیر میکنند و در شهر ها غذای ناکافی سلامتی آنانرا بخطر میاندازد . خانه های روستائی مرکز تشو و نمای انواع میکروبها و آفت سلامتی کودکان است . در این خانه ها انسان و گاو و گوسفند و مرغ و خروس و سگ و گربه در کنار هم بسر میبرند و کودکان که لطیف تر و مستعد تر برای ابتلا بیماریهای گوناگون هستند خیلی زود سلامتی خود را از دست میدهند . طبق گزارش رسمی وزارت کار در همین تهران ، در کنار کاخهای رفیع ، ساکنین گود ها که تعدادشان چندین هزار نفر بر آورده شده از اطاق نشین عده بیجای طویله هم استفاده میکنند ودر همین طویله های بی در و پیکر است که کودکان معصوم در کنار حیوانات میخورند و بخوابند .

سطح نازل بهداشت در ایران بیش از بزرگسالان ، زندگی کودکان را دچار خطر میکند .

کودکان روستائی در اکثریت مطلق خود رنگ پزشك و دارو نمی بینند و در شهر ها نیز خانواده های متوسط و بی چیز بعلت گرانی دارو و درمان ، کودکان خویش را بهنگام بیماری بدست قضا و قدر می سپرند . بر این اساس است که طبق نوشته روزنامه اطلاعات ، در سال ۱۳۴۳ ، ۵۲ در صد تلفات در سنین بیست بدو تولد کاه ۵ سالگی بوده است .

ماده ۲۶ ، اعلامیه حقوق بشر، تصریح میکند که هر کسی حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود ، و مطابق تصمیم سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۶۰ تمام کشور ها متعهد شده اند که : « امکان تحصیلات ابتدائی اجباری و مجانی را برای مردم فراهم کنند ، اما سیستم فرهنگی ما که روز بروز بیشتر محتوی طرفداری خود را آشکار میسازد نقض آشکار اعلامیه حقوق بشر و تصمیم یونسکو است .

رژیم شاه دربارهٔ تعلیمات اجباری و مبارزه با بیسوادی بتبلیغ تبلیغاتی خود را بر پهنه گیتی گشوده است این وجود ایران را از نظر تعداد بیسوادان همچنان در شمار کشور های عقب مانده دنیاست شاه مدعی است که منشور ۶ ماده‌ای وی بجنگ بیسوادی در روستای ایران رفیه است ولی همه میدانند که حتی در تهران مدرسان کافی وجود ندارد . هر سال بنا به آمار رسمی ۵۲ در صد از کودکان بسن تحصیل اطفال تحصیل نمی یابند . اکثریت مطلق کودکان ده و نیمی از کودکان شهر نشین در دورانی که باید سرفرض وشاد درس بخوانند و بازی کنند ، با کار و زحمت آشنا میشوند . کارخانه ها ، کارگاهها و مزارع ایران ، مرعهٔ استثمار وحشیانه کودکان خردسالی است که بجای تحصیل به اروش نیروی کار خود مجبور شده‌اند . با آنکه کار کودکان کمتر از ۱۲ سال حتی بموجب قانون کار موجود منع شده ، ولی اکثریت کارخانه‌ها و کارگاههای ایران از وجود کودکان خردسال استفاده میکنند . اعلامیه حقوق کودك ، استعمال کودکان را صریحاً نمی نموده و بدآور شده است که حمایت از کودك در برابر تمام اشکال استعمال لازم و ضروری است .

علاوه بر حقوق کودك در زمینه تعلیم و تربیت

برای آنکه کودکان افراد مفید و کار آمدی برای اجتماع خود باشند ، در اعلامیه تصریح شده است که باید آنانرا از خطرات ناشی ، از فیلم ها ، کتاب ها و مجلات و برنامه های رادیو تلویزیونی که بپرورش روحی و اخلاقی کودکان زیان میرساند بر کنار داشت و بدینمنظور انتشار کتابها و مجلات خاص کودکان تهیه فیلمهای تربیتی، تنظیم برنامه‌های رادیو تلویزیونی که به رشد روحی و شخصیت اخلاقی کودك کمك کند توصیه شده است . اما همه میدانند فیلم ها که کودکانرا مالامالا میکنند ، مجلات و کتابهائی که میفروشند و اکثریت برنامه های رادیو و تلویزیون تا چه حد برای کودکان زیان‌بخش و گمراه کننده‌اند

و در پرورش روحی کودك که تنها نقش تربیتی ندارند بلکه عامل انحطاط و تخریب هستند . اکنون فقط چند سالی است که به ترجمه‌و تدوین برخی کتابهای خاص کودکان اقدام شده است ، تازه این کتابها هم غیر کافی و هم در اکثریت مطلق خود منطبق با نیاز روحی کودکان ما نیست .

کودك اندر دیار سرمایه

کودك اندر دیار سرمایه
بیخبر از نوازش مادر ،
استخوان سگان بود قوتش
سنگ نامود کوچه ها بستر .

*

سوخت همچو شمع کافوری
در سبد چلل معدنی مرطوب ،
خم شده پشت دستگاه نخ
از سحرگاه تا اوان غروب .

*

کودکان دیده ام به هرم تموز
بر سر تفته ریگ خفته به دود ،
چون گل متجمد فتاده بخاك
بیمن بی امان چو زد دم سرد .

*

شهر و ده پر بود از این اطفال
چهره ها خسته ، جامه ها پاره ،
در میان زباله گمشده رزق
چسته همچون سگان آواره .

گردش و تلریح بمناسبه حق تلریح واستراحت عامل مهمی در پرورش روح برای کودکان و جسم کودك چون حقوق

دی بشمار آمده است . اعلامیه تصریح میکند که : « تلریح و استراحت حق کودکان است » روزنامه اطلاعات‌ازکان‌نامه رسمی دولت را شاهدمیآورم تا ثابت شود که در شرایط کنونی حتی مسالهٔ تلریح و بازی کودکان به چه مشکل لاینحلی تبدیل شده است . اطلاعات در ۲۴ اردیبهشت امسال نوشت : « اگر تمام شهر ۲ میلیون نفری تهران را جمع کنید برای نمونه یك زمین با وسائل تلریح سالم برای بچه ها بعدی واقعی آن پیدا نخواهد گردد و این در سه پارکی هم که بطور ناقص ایجاد شده ، سالی به دوازده ماه بدلیل تعطیل است و یا در وقت تعمیر . بدینجهت است که کودکانرا با زندگی چهارچوبهای خفه کننده و یا سرگردان کوچه و خیابان ، بدون تلریح ، بدون سر گرمی ، بدون استراحت ، خمود و کسل و روحا بیمار ، ملولیت را پشت سر میگذارند بی آنکه از لذائذ دوران کودکی بهره‌ای برده باشند .

ضرورت ایجاد شبکهٔ شیر خوارگاهها و کودکستانها در سراسر کشور

هر روز تعداد بیشتری از زنان درجهات اقتصادی و اجتماعی کشور، شرکت فعال میجویند ، اشتغال زنان در خارج از خانه ، وجود شبکه‌ئی از شیرخوارگاهها و کودکستانها را به امری ضرور مبدل میسازد . تنها در اینصورت است که مادران میتوانند وظایف اجتماعی خود را با فراغ بال انجام دهند .

در همهٔ کشور های مترقی جهان در شهر ، روستا ، در کنار کارخانه ها و بنگاهها و ادارات چنین مؤسساتی وجود دارد و از کودکانی که مادرانشان کار میکنند طبق برنامه‌های صحیح بهداشتی و تربیتی پذیرائی میکنند . از وجود چنین تأسیساتی در میهن ما اثری نیست فقط عده قلیلی کودکستان ، آنهم در برخی از شهر ها وجود دارد که تقاباً مورد استفاده خانواده های ثروتمند است و کودکانی خانواده های زحمتکش را بدانجا راهی نیست . یکی از وظایف مهم پدران و مادران و بخصوص جمعیتهای زنان مبارزه در راه ایجاد اینگونه مؤسسات است .

صرف میلیونها ریال از بودجه نظامی کشور برای مصارف جنگی ، قدر خانواده ها و در نتیجه بحرمیت کودکان را تشدید نموده است . در حالیکه کودکان ما غذا ، دوا ، پوشاك ، مدرسه ، پزشك و بیمارستان ندارند ، فقط در سال گذشته رژیم شاه در حدود ۲۵ میلیارد ریال بمصرف هزینه های جنگی رسانده است . اگر مبارزه پدران و مادران در راه صلح اهمیت درجه اول کسب نموده ، نه فقط بودجه جلوگیری از خطرات مسلم جنگ بلکه بخاطر زیانهای غیر مستقیم آن ، حذف بودجه جنگی و تخصیص آن به نیازمندیهای عمومی نیز هست . بدین سبب است که مبارزه پدران و مادران ایرانی برای وادار کردن رژیم به اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت و حذف بودجه جنگی در درجه اول اهمیت قرار دارد .

اعلامیه‌حقوق کودك، آموزش و پرورش تصریح میکند که مادری‌حق‌مسلم کودکان است کودکان حق‌دارند به‌پرورش مادری خود درس بخوانند مسلم است که هرگز از طرف زمامداران ایران رعایت نشده است . از آنجهت که حقوق هنگفت عناصر خائنی ایران از جانب رژیم ارجحاتی شاه مورد انکار قرار گرفته است ، میلیونها کودکی که‌پدر مادرشان فارسی نیست مجبورند به پیش فارسی درس بخوانند و این امر ، باید برای کودکان را دچار اشکال فراوان میسازد . باید برای تسهیل آموزش این عده از کودکان دولت وا دار نمود که حقوق فرهنگی خلقهای ایران را برسمیت بشناسد .

علاوه بر حقوقی که مستقیماً به کودکان تعلق میگیرد و رعایت آنها برای‌تأمین سعادت کودك ضروری میباشد ، تنها حق بزرگسالان و بی عدالتی اجتماعی نیز بطور غیر مستقیم در زندگی کودکان تأثیرمیکند و عوضشان آنها را مورد تهدید قرار میدهد . برای نمونه ، عدم اجرای اعلامیه حقوق بشر در کشور ما و

کودك اندر دیار سرمایه
بیخبر از نوازش مادر ،
استخوان سگان بود قوتش
سنگ نامود کوچه ها بستر .

*

سوخت همچو شمع کافوری
در سبد چلل معدنی مرطوب ،
خم شده پشت دستگاه نخ
از سحرگاه تا اوان غروب .

*

کودکان دیده ام به هرم تموز
بر سر تفته ریگ خفته به دود ،
چون گل متجمد فتاده بخاك
بیمن بی امان چو زد دم سرد .

*

شهر و ده پر بود از این اطفال
چهره ها خسته ، جامه ها پاره ،
در میان زباله گمشده رزق
چسته همچون سگان آواره .

در نتیجه فقدان آزادیهای دموکراتیك ، شریراز زندگی هزاران خانواده را از هم گسیخته و هزاران هما کودك را از آغوش پرمهر پدر بیرون کشیده است . پدرانی که بعلة به گناه داشتن عقیده ، بجرم میهن پرستی و بشر دوستی در چریان مبارزات ۲۵ سال اخیر بدست جلادان شاه به قتل رسیده‌اند ، یا‌فرتی اخیر بجرم داشتن عقیده سیاسی بزندانی افکنده‌اند و جمع شده‌اند و هم اکنون نیز تعداد بسیاری از آنان در زندانهای تهران و شهرستانها میزیند و یا بانتظار احکام ظالمانه دادگاههای فرمایشی شاه روزشماری میکنند . مسئول تباهی زندگی این کودکان کیست ؟ پدران‌ومادران؟ علیه رژیم استبدادی شاه مبارزه کنید تا دیگر هرگز میله های زندان بین پدر و فرزند حائل نشود ، تا دست تجاوز کودکان بیگناه را بی سر پرست نکشد هیچ کودکی پدر خویش را امیر دست جلاد نبیند .

* * *

بنا به تصمیم شورای قدرتمند دموکراتیك بین المللی زنان ، از تاریخ ۳ تا ۶ اکتبر ۱۹۶۶ (۱۱ تا ۱۴ مهر ۱۳۴۵) کنفرانس بین المللی کودك در شهر استکهلم (سوئد) تشکیل خواهد شد . مضمون کار کنفرانس عبارتست از :

تأمین شرایط‌لازم‌برای شکفتگی‌روحی‌وجسمی تمام کودکان

مسئله آموزش و پرورش

بهداشت کودك

اعالیت کودك خارج از مدرسه و خانواده و در ایام فراغت.

این کنفرانس با شرکت نمایندگان سازمان‌های زنان و سازمانهای دفاع از حقوق کودك تشکیل خواهد شد تا برای بهبود زندگی کودکان سراسر جهان ، طرقی پیشنهاد . فرصت مناسبی است تا آن عده از سازمانهای موجود زنان در ایران ، که بمسئولیت کودکان میهن خویش صمیمانه علاقمندند نمایندگان خود را باین کنفرانس بفرستند تا متمن انعکاس‌زندگی کودکان ما در این کنفرانس ، با توشه‌ای از تجربیات مبارزه زنان سایر کشور ها در راه تأمین حقوق کودك به میهن خود بازگردند . شاید این تجربیات در مبارزهٔ پدران و مادران ، در نتیجه بهبود شرایط زندگی کودکان ما مؤثر افتد .

پژوه .

تا کی دشنام ؟ تا کی اتهام ؟

(در باره یك مقاله ضبیه آلبانی روزنامه «ایران آزاد»)

اخیراً شماره‌ای از نشریه «ای. ن. قـ. اقرماسیون» ضبیه آلبانی «ایران آزاد» ارگان سازمان اروپائی جبهه‌ملی ایران (مورخ ۱۳ مارس ۱۹۶۶) بدست ما رسیده است . ما در میان مطالب این شماره فقط توجه خود را بمقاله ای که در صفحه آخر این نشریه تحت عنوان «حزب توده ایران، دست نشاندهٔ مسکو» نوشته شده است معطوف میداریم .

در این مقاله که سر تا پا دشنام واتهام به حزب توده ایران است ، جز تکرار همان مطالب کهنه و منسوخ قدیم چیزی وجود ندارد . در گذشته ، در روزنامه مردم ارگان مرکزی و مجله دنیا ارگان تئوریك و سیاسی حزب ، بکرات در باره این بهتانهای بی‌پایه و اساس صحبت کرده ایم . مطلب مهم این است که نشرین نشریه مورد بحث پس از مدتی که بنظر میرسید نشریه «ایران آزاد» (که نشریه مورد بحث ضبیه آلبانی آنست) سکوتی نسبی را در باره باصطلاح «مبارزه» علیه حزب ما مراعات میکند ، بکبار دیگر ، حمله بحزب ما را آغاز کرده است . ما با بحث وتبادل نظر متقابل، با انتقاد شدن وانتقاد کردن ، در چارچوب اصول ، نه تنها مخالف نیستیم بلکه آنرا یك مقدمه اجتناب ناپذیر برای تحقق اتحاد در صفوف اپوزیسیون مترقی ایران میدانیم. ولی بحث و انتقاد با دشنام گوئی و اتهام زنی تفاوت دارد . یکی مفید است ، یکی مضر . یکی به اتحاد و تعاون متقابل به نیروهای ملی و ضد استعماری کمك میکند و یکی زیان میرساند . دشنام گوئی بحزب ما آنهم درست در روزها و هفته هائی که به مناسبت مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران مبارزه متحدانه ای جریان دارد ، چه معنائی میتواند داشته باشد ؟

ما در شماره‌های اخیر مجله دنیا ، بسهم خود کوشش کردیم و در آینده هم کوشش خواهیم کرد که بحث در داخل اپوزیسیون مترقی ایران را از جبهه فحاشی و اتهام زنی خارج کنیم و به مجرای معتدل و منطقی و اصولی بیندازیم . ولی متأسفانه ناشرین نشریهٔ مورد بحث پهسان راه قدیم ادامه میدهند. ادامه این وضع بنفع کیست جز بنفع رژیم ضد ملی ـ ضد دموکراتیك کنونی .

در مقاله دشنام آمیز این نشریه بکبار دیگر به حوادث دوران ملی شدن صنایع نفت و روش حزب توده ایران اشاره شده است . حزب ما سیاست خود را در این دوره ، در پلنوم چهارم کمیته مرکزی مورد بحث تفصیلی قرار داد و اسناد و قطعنامه های مربوط باین بحث را منتشر کرده است . این اسناد و قطعنامه ها در مقیاس وسیع نشر یافته است . روشن است که حزب در این دوران برای خود اشتباهاتی قائل است و چنانکه لازمه یك حزب جدی و صدیق است آنها را نمی پوشاند . چرا اتهام زنندگان بحزب ما این اسناد و قطعنامه ها را مورد توجه قرار نمیدهند؟ ما از سیاست حزب خود دراین دوره با نهایت صراحت انتقاد کرده‌ایم ، جهات منفی و مثبت آن را بر شمرده ایم . ولی برخی سخنگویان بر سر و صدای جبهه ملی ایران در زمینه برخورد تحلیلی به روش خود چکار کرده اند ؟ آیا حتی یکبار در باره سیاست جبهه ملی در این دوره و در دوران زمامداری آقای دکتر مصدق یك بحث علمی و جدی بعمل آورده اند ؟ آیا حتی یکبار یك سند مشبع در این باره منتشر کرده اند ؟ در جلسات جبهه ملی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اینجا و آنجا تشکیل شده‌است در اغلب موارد جز کشمکشهای خصوصی ، زد و بندهای گروهها و در بهترین شکل ، جز فوران احساسات وعواطف چه چیز وجود داشته است ؟ در موارد متعدد تمام جلسات جبهه ملی مصروف ارائه نامه های آقای دکتر مصدق و رد یا قبول آنها شده است . تازه هیچگاه جبهه ملی براهنمائی های آقای دکتر مصدق وفادار نبوده است و بشکل موسمی ، در تصمیمات خود تغییر داده است .

ما از کسانیکه سیاست حزب توده ایران را در دوران ملی شدن صنایع نفت انتقاد میکنند میپرسیم ، آیا سیاست جبهه ملی ایران دراین دوره خالی از هرگونه نقص و اشتباه بوده است ؟ اگر نبوده است پس چرا حتی یکبار این نقائص و اشتباهات را مورد بحث قرار نداده اید ؟

در مرداد ۱۳۳۲ ، هنگامیکه کودتای سرلشگر زاهدی بوقوع پیوست ، این حزب توده ایران نبود که بر رأس قدرت بود حزب توده ایران حزبی بود محروم از فعالیت علنی این دولت جبهه ملی بود که دولت را در دست داشت . این دولت جبهه ملی بود که در سرکوبی متشی توطئه گر وخائن تعلل کرد و بآنها میدان داد تا قدرت را در دست گیرند. مسئول شکست نیروهای ملی در مرداد ۱۳۳۲ بدون تردید در درجه اول جبهه ملی است نه حزب توده ایران . ولی آقایانی که بحزب ما دشنام میدهند این حقایق را نادیده میگیرند .

در نشریه مورد بحث یکجا از باز گشت ستوان قبادی به ایران و اعدام او صحبت میشود . با لحن گزنده مینویسند که ستوان قبادی به تقاضای سازمان امنیت بعنوان «هدیه» تحویل دولت ایران شد و اعدام گردید . آنچه ناشرین نشریه مورد بحث در این باره مینویسند و در گذشته نوشته اند ، سرتا پا نادرست است . ستوان قبادی بنا به تقاضا واصرار مکرر در مکرر شخص خویش بعد از گرفتن اجازه بازگشت و ویزا از سفارت ایران در مسکو بایران باز گشت ، ولی مقامات ایران ناجوانمردانه و علیرغم وعده های خود باو ، او را تیرباران کردند . حزب توده ایران سعی فراوان کرد که او را از باز گشت بایران قائل به توجه به تیرنگ‌بازی رژیم کنونی باز دارد ، ولی ستوان قبادی در باز گشت خود اصرار کرد . در قبال اصرار

بقیه در صفحه ۷

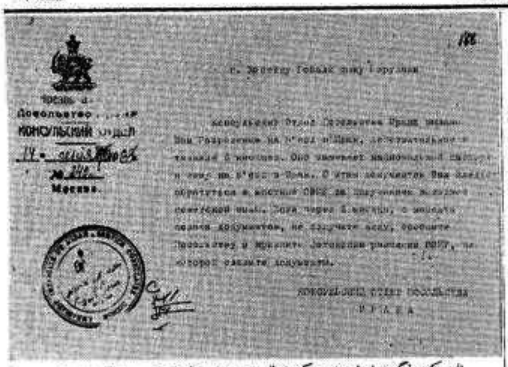

نامه کنسولگری ایران در مسکو خطاب به ستوان قبادی دائر بر اجازه عزیمت بشارالبه برای بازگشت بایران

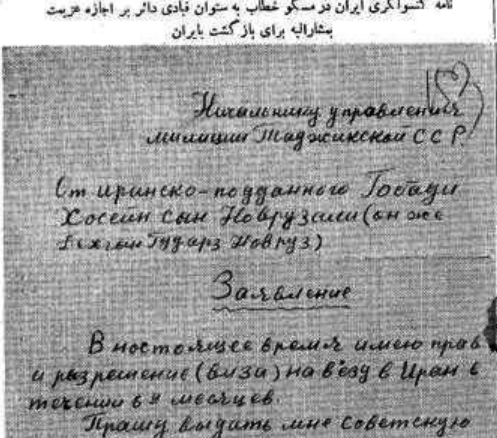

Начальнику управления
милиции Таджикской ССР

От иранско-подданного Тогади
Хосеин сын Новрузали (он же
Бехзад Гударз Новруз)

Заявление

В настоящее время имею права
и разрешение (виза) на въезд в Иран в
течение 6 и месяцев.
Прошу выдать мне советскую
выездную визу до истечения вышеупо-
мянутого срока. 26/IX 1963 г.

Тогади Хосеин сын Новрузали
(он же Бехзад Гударз Новрузали)
25 сентября 1963 г.

نامه ستوان قبادی که بخط و امضاء خود اوست خطاب به رئیس شهربانی تاجیکستان

ستوان قبادی در این نامه به مقامات شوروی اطلاع میدهد که ، «اکنون حق و اجازه (روادید) ورود بایران درعرض شش ماه را در دست دارم . تقاضا دارم روادید خروج از شوروی را در عرض مهلت فوق در اختیار من گذارید» .

دو سند فوق را مقامات شوروی در قبال اقدام حزب ما برای روشن کردن جریان بازگشت ستوان قبادی بایران در اختیار ما گذاشته اند .

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، «نامه‌نامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای پخش رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

روزنامه توفان چگونه « تکامل » یافت

دربهمن‌ماه ۱۳٤۳ روزنامه جدیدی بنام «توفان» در غرب انتشار یافت . انتشارات این روزنامه نشانهای بودند . ولی از مطالعه نخستین شماره‌ها در ظاهر میشد نتیجه‌گرفت که این‌روزنامه – صرفنظر از بعضه برداشتهای اصطلاحی و کمالی بلی و برخی تمایلهای نادرست سیاسی – نشریه‌ای است « متمرکز » ، « انقلابی‌ثبت » ، « مقبض » و « هوادار اتحاد نیروهای ملی » . درشماره ۷ « توفان » خود را ارگان تشکیلاتی بنام « جنبش ملی ایران » و « نشرات » را « گروهی عمل » و متکی بخود از میلیارن فرتیخواه ایران » معرفی کرد . در شماره ۹ « توفان » در سرمقاله خود برای نخستین بار ضمن زمزمه به اتحاد شوروی را آغاز کرد . این نیش زمن به‌اتحادشوروی درمقالات مربوطه‌بوجودآمد . وسپس و سفر برژنف به ایران در شماره‌های بعدی ادامه یافت . در شماره ۱۵ « توفان » بیش از دو صفحه از ٤ صفحه خودرا به‌چاپ « بیانیه‌دوم‌دین‌کنگره حزب دمکرات کردستان » اختصاص داد که در آن به حزب توده ایران حملات خصمانه‌ای شده و اتهامات ناروائی وارد گردیده است . در شماره ۱۸ « توفان » اعلامیه به نام انتشاری را انتشار داد و آنچهت که انتشاب را « کوششی ارزنده ای » برای « هدری حزب سیاسی طبقه کارگر » میدانست و « شرکت اعلانه همه وقتا را درتشییدای از این کوشش ارزنده » توصیه میکرد . در مقدمه تمین اعلامیه معلوم شد که نشارات «توفان» گروهی از « جوانان مارکسیست » اندیست . اند . در شماره ۱۹ « توفان » نشانه یکی از انتشاریون را همراه با یك مقدمه منتشر کرد . هم مقدمه و هم نامه دفاع از انتشاب و ایراد اتهام و حمله به حزب توده ایران از انتشب . درشماره ۲۱ « توفان » در سرمقاله خود توقف : پس از انتشار اعلامیه و نامه ضمیمه توفان شماره های ۱۸ و ۱۹ عکس العمل های گوناگونی از جناحهای مختلف و مرکزها « نسبت به اقدام ما انجام پذیرفت که برای ما بسیار آموزنده بوده است . ما تنیا نامه های تشویق آمیز دریافت نکردهایم بلکه کسانی نیز پیدااند که براین اقدام ما ایراد گرفته‌اند و ما از آنها نیز آموخته ایم . درمورد انتشار این نامه‌ها باید تشریح خود باز هم این سؤال برای ما مطرح بوده است که « آیا این اقدام ما به رشد وتقویت اراده توده‌ها در انجام کار متحلل و آگاه کمك میکند ؟ » سپس تصمیم گرفتیم که از انتشار آنها فعلا خود داری کنیم . . . . » در شماره ۲٦ « توفان » (آخرین شماره‌ای که بدستما رسیده) ۱۵ ستون از ۱۸ ستون خود را به شدید ترین حملات بسیاریله به حزب توده ایران و به اتحاد شوروی ودفاع از انتشاریون اختصاص داده است و همان روزنامه ای که هر گونه مرکزی را نفی میکرد در شماره اخیر خود بیکی از « مرکزهای » یعنی « مرکز انشعابی » پیوست وهمکنوی برحرارت آن شد .

نقایی که دریده شد

هرکس که « تکامل » روزنامه توفان را بررسی کند باچار سئوالات زیر پرایش مطرح میشود : چطور شد نشریه ای که نخستین شماره‌های خود را باکلمات افتخار « علی و حسین » و با تصاویر « دکتر مصدق و دکتر فاطمی » آغاز کرد و « هیچ سیاستی چه زرد و چه سرخ و چه سیاه » و چه سفید را « تعیین کننده طبقه خود نمیدانست ناگهان « مارکسیست » اندیست . هو آنتنه آلو درآمد ؟ چطور شد که روزنامه‌ای که میاوشت . . . . وقت آن نیست که بعضی مجازات و فی اصلاح این یا آن حزب آن و یا این تشکیلات سرکوم جدال بیموقع و نابهنگام شد و تا کنفعاه آن که کره خشمزدا آزاد است چنان سرکوم « جدال » شده است که گم سلیقه است ؟ چگونه کسانی که نانشان‌روداد وبعد به « گروه مستقل ترقیخواه » تبدیل شده حالاچنان سخیت میکنند که گوئی از بنیادگذاران حزب توده ایران اند ! چطور رشد که « کنفرنسه عمد ۱۹ » صرفنظر ازعقاید سیاسی و وابستگی حزبی ، به‌اتحاد برعلیه رژیم « که هدف اصلی است » دعوت میکردند و حتی درشماره ۲۱ « توفان » اتفاقا موضعی را که به آنها شده است قاطعاً قبول کردند ، ناگهان در شماره بعد تمام نیروی خود را به ایراد ناروا برای اتهامات و خصومت ترین حملات به حزب توده ایران و حزب برادر اتحاد شوروی متوجه کرده‌اند؟ چرا؟ چه‌چیز آنرا « بهر قیمتی هم شده است » ادامه دهند ؟

سخنی چند در باره روزنامه توفان

تفرقه افکنی در لباس وحدت طلبی

خرابکاری از راه انقلابی مآبی

بنظر ما بتمام این سؤالات فقط دوپاسخ میتوان داد : یا توفان از همان آغاز خود نشریه‌ای بود واسیه به انتشاریون که نقاب برچهره گذارده بود و یا آن ، گروه مستقل ترقیخواه ، سابق و « جوانان مارکسیست » اندیست ، لاحق ازفرصت استفاده کردند تا بتوانند مثی عقد توده‌ای و ضد شوروی خودرا توجیه کنند. ولی نتیجه یکی است. نقاب دریده شده است. این درس آموزنده‌ای است . دنیای ما دنیائی است که بتوان مشتریانی چهره واقعی خودرا درجریانات سیاسی پنهان نگاهداشت . اگر کسی نخواهد دست خود را رو کند زندگی اینکار را خواهد کرد .

ما همانند بعضه‌ها « توفان » را نداریم . چند دلیل : نخست آنکه ایرادات باصطلاح تئوریك آنها (وهمچنین تئوریهای مزخرف‌روزی آنها) بقدری ابتکه وسخت است که وارد شدن درچنین بحثی تلف کردن وقت است . ما بطرح و بحث مسائل تئوریك وسیاسی در نشریات خود برای روشن کردن ایدئولوژی وسیاست حزب به این « ایرادات تئوریك » پاسخ میگوئیم . دوم آنکه بسیاری از « استدلالات » این « گروه مستقل » تکرار نظریات انتشاریون است (شاید هم خود آنها دفاع از انتشاب) پاسخهای ما به انتشاریون در این زمینه کافیست . سوم اینکه ما هدف اصلی خود را هرگز فراموش نمیکنیم وامکان نمیدهیم که ما را بیچوبگوئی به ابهامها و بحثهای بی‌سر انجام بکشانند و ما را از وظیفه اصلی جهیز توده‌ها برای استقرار حکومت ملی و دموکراتیك دور بازدارند .

بااینهمه هرآینها فقط بهمین نکته اشاره میکنیم تاجهار روزنامه « توفان » برای کسانیکه آنرا میخوانند روشن شود .

تفرقه افکنی در لباس وحدت طلبی

« توفان » پروژه در شماره های نخستین خود کلمات پرسوز و گدازی نوشتم « اتحاد » نوشته است. در شماره ۹ نوشته شده است : « اتحاد و اتفاق . . . ایست راه نجات » درواقع هم راه نجات ملت ایران اتحاد اوست . ولی زمانیکه میشد در مرحله حرف باقی ماند متهاجمات کشنده در عمل . آنهم عمل مدافعانه باید نشان داد که به‌اتحاد اعتقاد هست و در راه تحقق آن کوشش میشود . « توفان » تنها نشان داد که نه فقط در دعوت به اتحاد صادق نیست بلکه در لباس وحدت طلبی به‌تفرقه افکنی مشغول است . آنهم کجای مشغب کردن حزب طبقه کارگر ایران – که یکی از نیرو های مبارز باخود واصلی در جنبش رهائی بخش کشور است – با دعوت به اتحاد مطابقت دارد ؟ چگونه با بخش نظریات نادرست و مشغب کردن افکار مردم با میتوان به اتحاد فکری و عملی کمك کرد ؟ چگونه در وضعی که همه نیروها باید بر ضد رژیم ایجهیز کرد ، میتوان هدف اصلی حمله را حزب توده ایران قرار داد ؟ « توفان » کار را بجائی میرساند که در « نقیه وارده » تحت عنوان « سخنی با رهبران حزب توده ایران » بفقط مارا متهم به کمك بفلیس میکند بلکه به تفتین بین ما وسایر نیروهای ملی میپردازد و می‌نویسد : « این نکته (یعنی کمك ما به پلیس) دارای اهمیت زیادی است . دارای جنبه اصولی که چرا مارا نه تنها افراد اپورتیستون و اعتقاد کنند گان داخلی در آن تأمل کنند بلکه نیروهای مبرزی دیگر نیز که رهبری حزب توده ایران را از مواضعی نظیر اپورتیستون مورد انتقاد قرار میدهند از مطبوعات خود با رهبری حزب آنرا بحساب بگذارند. » مگر « توفان » در نخستین شماره خان دارشت که « وقت آن نیست که . . . » تا گفته‌اند آنرا کرد که دشمن را آزرد است ؟ مگر این تفرقه افکنی آزردی دشمن نیست؟ چه کسی از اشتباه در حزب توده ایران ، از حمله به حزب توده ایران – از تفتین بین حزب توده ایران و سایر نیرو های ملی چز رژیم سود میبرد ؟ پس چرا با این حرارت در لباس راه دشمن شاه کرب پیش میروند ؟

تفرقه افکنی مشوم و محکوم است ولو در لباس وحدت طلبی

خرابکاری از راه انقلابی مآبی

انتشاریون اعضاء حزب را بقطع ارتباط باهبری و دوراغ با حزب توده ایران دعوت میکنند : ایجاد سازمانهای پراکنده و مستقل را توصیه میکنند و وعده میدهند که در جریان جنگهای پارتیزانی (که البته شروع آن دشوار است و تاریخ آن معلوم نیست !) حزب طبقه کارگر باید اجیاء شود . « توفان » همین محتوی را با شعار مبارزه پرمغز « رهبری ما و سازمانهای » در مرکزها « وتشویق » کار مستقل توده‌ها » تکرار میکند . ولی در پشت سرانقلابی مآبی در پاره « جنگ پارتیزانی » و « سازمان توده‌ها » (که حرف است) یك عمل واقعی وجود دارد و آن کوشش برای خلاقی ساختن حزب توده ایران ! برای مستدل کردن حزب طبقه کارگر ایران ! برای محکوم کردن طبقه کارگر و همه مارکسیست – اندیستها به پراکندگی سازمانی و در نتیجه شکست . به این عمل که برای آن « تئوری » هم ساخته‌اند تز انحطال طلبی و غارتگری بچه‌ائی میتوان‌داد چگونه‌میتوان هنگامیکه بیش از هر زمان دیگر به سازمان – آنهم سازمانی با اندیشه و عمل واحد نیاز بیشتر است تمام نیروی خود را در راه انحطال طلبی بکار انداخت و به آن نام « اجیاء حزب طبقه کارگر » داد ؟

این اولین بار نیست که میکوشند حزب توده ایران را مثلاثی بیاورند . آخرین بارهم حتماً نخواهد بود . گاه اینکار بکمك سوئیدو انجام میگیرد . گاه بلشاح ، مائوئیسم – لنینیسم . ولی اگرایین فرصت است که آزودی فریبنه دشمنانی ملت ایران و طبقه کارگر ایران از بین بردن حزب توده ایران است ، آنوقت نوع سلاح فرق نمیکند . مردم عمل را می‌بینند وفرایبکار والحلال طلبیرا اگر چه خودرا « مارکسیست لنینیست» بنامند محکوم میکنند.

توفان تحریف میکند

درچهارم جدید «توفان» لکه دیگری نیز بچشم میخورد که جعل و تحریف است . در شماره اخیر این نشریه (شماره ۲۲) ارزیابی‌های نادرست و تحلیل‌های آرزوی غرض بسیار است. ما بی آنکه قصد جوابگوئی بلین قبیل مطالب را داشته باشیم اشاره بچندسیری راکه بزیانه یك‌تحریف‌خاص درمقاله‌ای تحت‌عنوان « کنگره شوروی بسوی کمونیسم ؟ » انجام گرفته است ضرور میدانیم تا خوانندگان آن نشریه و از جوشخوردی در قبال ارزیابی ها و پرسیزه « توفان » که گردانندگان آن از دیگران نقل میکنند برحذر داریم .

درمقاله مزبور که به « ارزیابی علمی » کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی اختصاص دارد بما « استناد » به سخنرانی دبیر کل آن حزب در کنگره چنین دعوی شده است : « دبیر کل حزب ، برژنف در سخنرانی خود بارها از رواج طرز فکرهای بوروکراتیك مشغله در میان جوانان و هنرمندان شوروی و از علاقه و تمایل آنان به هر چیزی که از غرب میآید شکوه و شکایت کرد . نظیر همینگوئیه سخنان او برژنف در کنگره اخیرسازمان جوانان کمونیست‌شوروی کسومول اجیاء کردهاست... بطوریکه در شوروی کیش بوروکراتمنشی در جوانان و علاقه آنان به پدیده های غرب زده از آنها دلتنگ میشود که گویا نسل امروز انقلاب فبروز را با چشم تمدید و بیگانه‌های فبروز با شعار اصلی نکرده است وبنابراین این نمیتواند از تجربه های انقلابی بهره گرفته بشود» پرسیب‌های آن وقادار باشد ! » روزنامهٔ « توفان » بی‌پاهای این سخن میافزاید : « آیا جای تعجب نیست که رهبر حزب کمونیست کشوری مسلل شوروی . شیوع و بسروز افکار بوروژوائی و غرده بوروژوائی را توجیه کند ؟ »

(نقل از «توفان» ، شماره ۲۲ ، صفحه ۳ . تکیه روی کلمات از ما است . مردم)

بدینسان صاحب این « ارزیابی علمی » مدعیست که گویا برژنف‌کمونیست بیکباربلکه بارها « شیوع کیش بوروژوآمنشی » در میان جوانان « شکوه و شکایت » کرده است و گویا معتقد است که چون « نسل امروز انقلاب فبروز را با چشم تمدید و جنگهای میهنی فبروز را شعاعاً احساس نکرده است . . . » نمیتواند از تجربه های انقلابی بهره گرفته و به پرسیب های آن وفادار بماند. سرانجام «توفان» مدعیست که گویا «توانید برژنف ضمن سخنرانیهای خود «توجیه» «شیوع کیش بوروژوآمنشی » در میان جوانان کوشیده است .

به سخنرانیهای دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره ۲۳ و در کنگره سازمان کسومول مراجعه کنید تمیدیند تهیه کنندگان مقاله «توفان» «درزمینه‌جعل دروازگونسازی به‌میزاکی» عجیبی از خودشان دادهاند .

نکته‌ای که برژنف گفته یا آنچه که «توفان» از قول او ساخته است کوچکترین وجه مشابهی باهم ندارد . آنچه که برژنف گفته است اینستکه « هرچه در تاریخ ! روز های اکنبر دور میشود و عده بیشتری از جوانان و دخترانی که آزمایشهای جنگ دشوار را نگذرانده‌اند وارد صفوف کمونیستها میشوند . مسئولیت خزمینه انجام وظائف تربیت ایدئولوژیك بیشتر میشود»

(از سخنرانی در کنگره سازمان کسومول . تکیه روی کلمات از ما است . مردم)

حال خودتان انصاف بدهید : تأکید بر روی مسئولیت تربیت ایدئولوژیك چه وجه مشترکی میتواند با این ادعا داشته باشد که گویا جوانان شوروی در شرایط کنونی نمیتوانند به پرسیپ‌های انقلاب وفادار بمانند ؟ آنچه که برژنف گفته عوست است . پروسه های اجتماعی عظیمی بعون انقلاب ، نبرد های انقلابی و جنگهای میهنی خود مکتب تربیتی وپرورشی عظیمی است و در دورههای فقدان این مکاتب پرحوش تاریخی نقش اجیاء خود ویژه ای کسب میکند . همین اندیشه ساده ودرست است که برژنف بآن اشاره کرده است. ولی «توفان» این‌اندیشه را تحریف‌کرده وبشکل کاملا مجعول و نادرست ممکس نموده است .

در سراسر سخنرانیهای برژنف در کنگره ۲۳ حزب و در سازمان کسومول نه فقط بارها بلکه حتی یکبار هم از « شیوع کیش بوروژوآمنشی » در میان جوانان وروشنفکران شوروی سخن‌گفته نشده و کلمه‌ای در « توجیه » « جنبیت » « شیوعی » بکار نرفته است . برعکس در هر دو سخنرانی بیاطور و هیجانت روح انقلابی ، انقلابیون و تجربیات انقلابی جوانان وفاداری بپرسیپ آنان بهآرمانها واصول انقلابی بی سخنوره شده است . « توانید برژنف تأکید کرده است که « رمانتیسم انقلابی ثانی جوانان شوروی» . . .

او پس از توصیف خدمات درخشان جوانان شوروی به ساختمان جامعه نوین وظائف متعصب حزب و سازمان کسومول را درزمینه تکمیل اشکال وسائیب کار تربیتی در میان جوانان خاطرنشان میسازد و متمن اشاره به نقائص موجود در این زمینه سازمانهای مربوطه را برفع آنها دعوت میکنند وازجمله میگوید : « برخی از سازمانهای حزبی و کسومول که این نکته را از نظر دور میدارند که شکل کنونی پسران و دختران مکتب متعلق و شاگرد مبارزه انقلابی و آزادیهای راکه نصیب نسل ارشد بودهاست ندیدهاند. برخی از جوانان بیوظیفه خود را ازدرك کنونی جوانان پر کنار گذاشتهاند. بوجیه اشکالی دارند . از دولت خیلی چیزها میخواهند ولی وظائف خودرا درقبال جامعه و مردم ازیاد میبرند. ایدئولوژیکی بوروژآ که تبلیغات ما هستند باید بعضی افراد عام که در قبال هرگونه بیماری واگیر ایدئولوژیك حساسند توجه دارند و میکوشند از آنها بسود خود استفاده کنند . ولی خوشبختانه این افراد در کشور ما انگشت شمارند . (از سخنرانی در کنگره ۲۳ تکیه روی کلمات از ما است . مردم)

«توفان» با چه منطقی ازاین سخنان نتیجه‌گرفته است که گویا برژنف معتقد است که جوانان شوروی نمیتوانند به‌پرسیب‌های انقلابی وفادار بمانند ؟

بقیه در صفحه ۵

شه ای از :

فعالیت سازمان امنیت ایران (ساواک) در خارج از کشور

یکی از اقدامات که هیئت حاکمه ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در راه اجرای سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود بدان احتیاج مبرم دید بسط دامنه ترور و جاسوسی بود. در مبارزه با جنبش آزادی بخش مردم ایران که دامنه این جنبه‌های کشور را گرفته بود ، اکتوبر دیگر دستگاههای شهربانی و رکن دوم ستادارتش قدیم‌تکی بنظرمیرسید. سازمان معتبر کار و مافوق دستگاههای موجود لازم بود که بتواند امور مربوط به جاسوسی و تفتیش عقاید را از هر جهت زیر نظر خود گیرد .

تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) بدینمنظور بود . اداره این سازمان بدست ارتشیان سپرده شد . این امر هم امکان پیشروی برای اعمال قلدر و ترور در اختیار سازمان قرار میداد و هم آنرا به شاه و دربار نزدیکتر میساخت .

مستشاران امریکائی که اکنون بر کلیهٔ شئون ارتش ما مسلط هستند این سازمان را نیز زیر نظر خود گرفتند تا در حدود لازم از تجربیات خود آنرا برای مبارزه با جنبش مجهز سازند .

اکنون سهم کلانی از بودجه کشور در اختیار این سازمان است . آرامش ظاهری که در حقیقت اختفائی پیش نیست در نتیجه فعالیت وحشت بار این سازمان ، بشکل خاکستری بر روی آتش برقرار شده است .

در عرض وضع خارج کشور دستگاه دیکتاتوری ایران را ناراحت کرده است .

حال حاضر بیش از سی هزار نفر دانشجو و محصل وعده زیادی ایرانیان مقیم در اروپا و امریکا بسر میبرند . جنبش علیه رژیم موجود چون آتش در گسترش بود افزون است و تشکلی آن در داخل کشور برای هیئت حاکمه آنرا مطرح دارد . مقابله با این جنبش وظائفی را در مقابل ساواک مطرح میسازد که عبارت است از :

۱) کار تبلیغاتی بمنظور جلوگیری هر چه بیشتر از رسوخ افکار مترقی بویژه میان جوانان و دانشجویان.

۲) مبارزه علنی با عناصر و سازمانهای مترقی.

برای انجام این وظایف سازمان و شعبه های دیگری لازم است که با آزادی نسبی کشورهای اروپا و امریکا در تماس قرار نگیرد .

تضمین اشکال عدم امکان ایجاد یک سازمان مترقی است که تمام امور مربوط به خارج کشور را تحت کنترل خود داشته باشد . این فعالیت باید در چهارچوب امکانات و با استفاده از وجود نمایندگی های انجام گیرد که بر اساس روابط خاص بین کشور ایران از یکسو و کشورهای دیگر مجاز شمرده شده اند.

بهمین جهت مأموران ساواک بایستی مأموریت خود را تحت عنوان کونگاکوئی انجام دهند : وزیر مشاور کشری ، دبیر سفارتخانه ، سرکنسول ، وابستهٔ نظامی ، وابستهٔ فرهنگی ، وابستهٔ بازرگانی ، وابستهٔ مطبوعاتی و غیره .

برای نمونه میتوان چند مثال آورد : سیفیه علوی کیا ، مأمور عالی رتبه سازمان امنیت در سمت وزارت مختار در سفارت کبرای ایران در آلمان غربی، سرهنگ جنیدی مسئول کارهای سازمان امنیت ، وابستهٔ سفارت ایران در ژنو .

این پیشامدی نیست که تنها در سفارتخانه و یا کونسولگری کنیا یک مأمور سازمان امنیت وجود دارد . سیفیه علوی کیا باصطلاح وزیر مختار ایران در کنگو که مأموریت وسیعی از جانب سازمان امنیت بعهده آن گذاشته شده است خود دارای دستگاهی است مرکب از عده ای گارمند مأمور ساواک . این وزارت مختار هر واقع نقش مرکزی نسبت به سایر کشور بازی میکند . سرکنسولگری هامبورگ ، کونسولگری مونشن ، نمایندگی کونسولی برلن غربی همه مستقیماً زیر نظر این دستگاه کار میکنند و از هر جهت مطیع اوامر آن هستند . اگر در نظر بگیریم که سرهنگ حقیقی و افتخاری سفیر ایران در اتریش و بونهوری پور وابسته مطبوعاتی این سفارتخانه نیز اغلب امور امنیتی سویس و اتریش را نیز با سفارت علوی کیا انجام میدهند. آنگاه پی میبریم که این مرکز غیررسمی پی میبریم . با وجود پور رستمگار برادر علوی کیا در سفارت ایران در پاریس این نظارت مرکز کبر رسمی بر آن سفارتخانه نیز برقرار است .

سازمان امنیت در همه جا سرپرستی های دانشجویان را نیز در اختیار داشته است . برخی از سرپرست ها مقلد مهندس حسیب نقیبی در امریکا یا ایوی سرپرست محصلین شب در انگلستان خود متشعبا مأمور سازمان امنیت بوده اند و یا مقلد نقیبی بلافاصله با مرکز و سپس با نیروی بوسطه مأمور بلاد تری (خواستاری) ارتباط خود را تأمین میکردهاند . علاوه بر این ارتباطها بطور رسمی نیز سرپرستی ها موظف بودند کلیه جزئیات را رسماً بمأموران ساواک گزارش نمایند و روشوت هر گزارشی به مرکز را برای ساواک نیز لازم دارند . اکنون که تصمیم بر تغیر سرپرستی ها و سپردن کار آنها به نمایندگیهای سیاسی گرفته شده است این کار دیگر مستقیماً در دست سازمان امنیت خواهد بود .

از امور داخلی نمایندگیهای سیاسی ایران در خارج آنچه که بکلی از اختیار وزارت امور خارجه بیرون کشیده شده و مستقیماً زیر نظر مأموران سازمان امنیت قرار داده گزارهای گذرنامه ای و تابعیت است . در این زمینه مأموران وزارت خارجه در هر رتبه ای که باشند از کونسولیار گرفته تا سفیر کبیر کوچک ترین اختیار و ارادهای از خود ندارند و در دست مأمور سازمان امنیت در هر شکل ظاهری که باشد عروسک بیش نیستند .

در خارج کشور بودجه هنگفتی در اختیار ساواک قرار دارد . بدینهی است که مانند سایر مؤسسات کشوری و لشکری در اینجا نیز قسمت اعظم این بودجه از طرق رسمی یا غیر رسمی ، نوش خور میشود . طریق رسمی بدان معنی است که عده ای از مأموران ساواک که مصونیا به این یا آن وزارتخانه وابسته شده اند (اغلب وزارت خارجه ، فرهنگ و غیره) حقوق رسمی آن شغل را از وزارتخانه مربوطه دریافت نمیدارند و مضافاً بر آن ساواک نیز حقوقی به آنها میپردازد که در موارد زیادی اصلی آنها نیز متجاوز است .

این کمکها نیز لازم است دوباره مأموران ساواک اضافه کرده که مأموران سازمان امنیت از بین کسانی که بیش از دیگران سیمای انسانی خود را از دست داده اند برای مأموریت خارج انتخاب میشوند زیرا از عهدهٔ شهود عالی لازم برای اجرای مأموریت سازمان امنیت در خارج (لازم بدیه : تطمیع ، تشانتاژ ، فریب ، انواع القاب ها و غیره) تنها اشخاصی میتوانند برآیند که فاقد فعالیت انسانی باشند .

سازمان امنیت در خارج کشور کار خود را بدو امر : از فعالیت وسیع تبلیغاتی آغاز نمود ، پخش وسیع مطبوعات منتسب پایین سازمان که از ایران ارسال میشد ، تأسیس نشریات ویژه از قبیل «اخبار ایران» و غیره . کمک به مطبوعات محلی بگروههای ارتجاعی ایجاد مجامع گوناگون از قبیل جمعیت شاه پرستان، و الخ . ولی فعالیت بی محتوی و تبلیغات عاری از مضمون نمیتوانست مامور کوچکترین اثری باشد . رژیم شه آنقدر بی آبرو است که دفاع از آن مجرب به این آبروئی ، افراد و لو رفتن مأموران سازمان امنیت میشود . بهمین جهت مأموران سازمان امنیت صدور یافته اند که بایستی «مخالف رژیم» ، «ملی» و حتی «مارکسیست» در آیند . اینکار نو فایده دارد . نخست آنکه شناخته شدن آنها را دشوار میسازد . دوم آنکه امکان ورود آنها را بسازمانهای ملی و مترقی فراهم میکند . در همانحال ایران و امکانات ایران سازمان امنیت مقوجه مبارزه علنی برای جلوگیری از رسوخ جنبش و خنثی نمودن اقدامات گروه های مترقی شده است. اکنون قسمت اساسی بودجه و انرژی این سازمان در این راه مصرف میگردد .

بخش بزرگی از این بودجه تخصیص دارد به استخدام مأموران مخفی از میان طبقه ایرانیان و یا دانشجویانی که برای این کار آمادگی دارند و یا به تطمیع افراد . اجر خوش خدمت ترین افراد مزدور که کار قابل توجهی نیز در زمینه جاسوسی بین هنگران خود انجام داده باشند دریافت کارت رسمی ساواک است که میتوانست همکاری با ساواک در راه وطن فروشی و وطن خواهی و شاه دوستی، داده میشود (عبارت یا وطن خواهی برای مدافعان شده است که بطور بخدشه برای اینگونه افراد نوشته میشود)

برای استخدام در سازمان امنیت آنچنان کار پاکیزه و بی آبروئی است که اگر کسی انگیزی از وجدان در وجودش باقی مانده باشد حاضر نیست بدان تن دهد . اغلب دیگری برای کشاندن در مجلات و سپس فرقه ساختن در آن اتخاذ میشود . ساواک برای یافتن طرق دیگر ، اشخاص و بویژه دانشجویان با بوسایل ممکن زیر نظر میگیرد ، تقاط ضعف آنها را مورد مطالعه قرار میدهد به احتیاجات آنان پی میبرد و سپس دام خود را با استفاده از این نقاط ضعف و احتیاجات میگسترد .

از جمله بافراد محتاج و یا مسرف از طریق دوستانش، در خارج و یا حتی کسانی در ایران، کمکهائی شده است که در واقع از جانب سازمان امنیت و کمیتهای الزام آور بوده است . این اشخاص بمناسبت «کمکهائی» دریافت شده در معرض شانتاژ قرار گرفته اند و برخی از آنان تشویشه اند خود را از این آلودگی برهانند و از ترس آبرو و حیثیت خود (بدون توجه به اینکه اعادهٔ آبرو هیچگاه دیر نیست) تسلیم شده اند . برخی دیگرندکی خود را بانتصاب این عناصر گفرا پایه گذاری کرده و بعداً نتوانسته اند آنرا محدود کنند و برای حفظ وضع موجود تن به همکاری داده اند .

از جمله طرقی که سازمان امنیت برای اسلیم اشخاص انتخاب نموده است تهدید است . در شرایط خارج از کشور این تهدید بطور عمده بشکل توقیف گذرنامه و یا عدم تمدید آن بروز میکند . توقیف گذرنامه که در حقیقت سلب حمایت کشور از افراد است نمونه ایست از شیوه تعاطی که هیئت حاکمه ایران برای سازمان امنیت خود قائل شده است و در عین حال سنتی از رسوائی این دستگاه ست که بدست خارجیان سپرده میشود . در آغاز امر ساواک از این راه برای خارج نمودن افراد از صحنه مبارزه و یا تهدید آنها به همکاری استفاده زیادی کرد زیرا عدم آشنائی بوضع کشور هائی اروپا و امریکا و قوانین آن چنین تصوری بوجود آورده بود که گرفته شدن گذرنامه موجب اخراج از کشور خواهد بود .

در واقع هم خواه در امریکا و خواه در کشورهای اروپائی در بارهٔ افراد بی گذرنامه مذاکرات مکرری بین مقامات سیاسی و یا بفکر بیگولیم ، امثالی ایران و نیز سرپرستی های محصلین از یکسو و مقامات محلی ازسوی دیگر بعمل آمده ولی آنانیکه جمعیت سازمان ایران با قوانین موجود در این کشور ها وفق نمیداد اقدامات مزبور اتیجه ای نبخشید و کار تنها با برخی از افراد فاقد قرض پایان پذیرفت . مثلا توصیه پلیس محل بهنگام تقاضای اجازه اقامت به اینکه عریضه مراجعه کننده بتوانند سفارت اقدام کند ، وحتی آنکه عدم مراجعه هم مانع تمدید اقامت نمیشد و تنها روی اشخاصی که آشنائی به قوانین ندارند یک نوع تأثیر روحی بانی میگذاشت . از تأثیر روحی این عمل و از تأثیر عملی گرفته شدن گذرنامه که منع مسافرتهای خارج از کشور میشود ساواک استفاده های لازم را نسبت به اشخاص مختلف کرده و میکند .

باید توجه داشت که ساواک از هیچ اقدامی برای جلب همکاری سازمانهای پلیسی کشور های سرمایه داری فروگذار نکرده و کمابیش این همکاری برقرار است . در کشورهای دارای قوانین مدد کمونیستی این همکاری نزدیکتر و دامنهٔ منحصر به تبادل اطلاعات نیست بلکه در مواردی به تحقیقاتی نیز منجر میشود . البته آنچه دارای اهمیت است این تحقیقات نیست بلکه عمل اطلاعاتی افراد که در نتیجه بی احتیاطی و تصور اینکه در محیط نسبتاً آزاد میتوان ملاحظه ای نداشت از طریق پلیس محل بدست سازمان امنیت میرسد و بعد ها موجب استفاده قرار میگیرد .

اگر شاخص اساسی رژیم های دموکراتیک و ملی آزادی فعالیت سیاسی در چهار چوب قوانین موجود و تشویق مبارزه علنیه امپریالیسم در راه آزادی واستقلال کشور است شاخص رژیم مدد دموکراتیک و مدد ملی ایران اختناق هرگونه آزادی سیاسی و هرگونه مبارزه مدد امپریالیستی است .

هیئت حاکمه ایران از جوانانی که شورمندانه پرسش هاوجه آنها را دعوت بمبارزه برای آزادی کشور میکند بیمناک است . دانشگاههای ایران مرکز توجه خاص سازمان امنیت و دستگاه پلیس است و هرگونه جنبش و حرکتی یا خشونت سرکوب میشود .

اکنون برای خروج از کشور و ادامه تحصیل در خارج این موانع فراوانی تراشیده اند . برای آنکه دانشجو بخارج برود باید دعوا از کنترل سازمان امنیت گذشته باشد . اغیر) قرار است که تعهدی نیز در مورد عدم دخالت در سیاست بگیرند .

ولی برای سازمان امنیت تنها دور شدن جوانان از سیاست مطرح نیست . در درجه اول باید جوان و آلوده بفساد جاسوسی و همکاری با سازمان نمود . موفقیت این عمل قبل از هر چیز بشکیلات دستگاه جاسوسی می افزاید و از جانب دیگر اگر هم کار برملا شد این شخص دیگر مورد نفرت دوستان خود است و طبیعتاً از صحنه سیاست بکنار میماند . در همین زمینه سازمان امنیت بشکل دیگری نیز عمل میکند و آن اینکه بوسیله عمال خود افراد با شرف و مترقی را متکوک و عضو سازمان امنیت معرفی میکند و بدینوسیله با لکه دار کردن «بهن پرستان ، ایجاد بی اعتمادی میکند . بنا بر این اعتماد مطلق و بی اعتمادی مطلق هر دو نفرست است . یکی منجر به بی احتیاطی میشود ، دیگری کار را فلج میکند . دقت و هشیاری همراه با تجربه در جریان مبارزه صداقت هر کسی را نشان خواهد داد .

اشخاصی که برای دیدار کسان خود و یا بمنظور انجام کاری در جریان تحصیل به ایران میروند اغلب از همان روز اول برای بازپرسی به سازمان امنیت دعوت میشوند و یا تحت‌نظر قرار میگیرند . مراجعت این اشخاص همواره با مشکلاتی روبرو است . از آنجا که اغلب دانشجویان حد اقل در مرکز های صنفی دانشجوئی شرکت کرده اند لذا «مدرک» حد اقلی در دست سازمان امنیت هست که بخواند برای ارعاب از آن استفاده کند . چه بسا با ارائه لکه های تقلبی به اینصورت افراد مورد اعتماد این دانشجو را موفق به فریب وی میگردانند . ساواک در آغاز کوشش میکند حد اکثر نتیجه را از آنچه در دست دارد و یا تهیه نموده است بدهد . این نتیجه عبارت است از گرفتن تعهد همکاری مطلق ، در صورت پافشاری زیاد این توقع رفته رفته تقلیل می یابد وبعد اقل خود میرسد . میزان تعهد به اینکه اگر از

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۴

تفرقه افکنی درلباس وحدت‌طلبی خیانتکاری از راه انقلابی مآبی

کشنده مقابله «توفان» عملی تحریفی با که توآن تشریه انجام گرفته است آشکار میسازد .

هشدار باش

تو ! توفان ، چه باقی مانده است ؟ یک مشی مشد توده ای و شد شوروی ! ولی حزب توده ایران علیرغم تقاضی و مشکلات خود انقلابی ترین و متشکل ترین حزب و تنها حزب مارکسیست - لنینیست در میهن ماست. اتحاد شوروی بزرگترین کشورسوسیالیستی ، سازمانده کمونیسم و پشتیبان همه نیرو های مترقی و آزادیخواه درسراسر جهانست. تجربهای ادعای میهن‌پرستی و کمونیستی کرد و روش خصمانه بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی در پیش گرفت . ممکن است اتهام و افترا و دشنام را برای مدتی مشوب ساخت. ولی این سرانجیب خطرناکی است . ما بهمه آنها که هنوز صداقتی دارند هشدار باش میدهیم که تجربه و سرنوشت ضد توده‌ایها و ضد شوروی‌ها از دور ونزدیک پس از شهریور ۱۳۲۰ بیاد آورند .

بقیه از صفحه ۸

رویداد ها – یاد بود ها

درگرفت شرکت جست . رفیق روستا پس از ذکر تجاوز وحشیانه امپریالیسم به دولت نام ، فعالیت خطرناک معافل تلافی طلب آلمان غربی ، تاخت و تاز خونین ارتجاع در اندونزی و توطئه های امپریالیستی در کوبا ، دومینیکن و غناور بیانه گفت : « در شرق میانه توطئه های جدیدی درحال تکوین است : امپریالیست ها با دست عمال خود مانند شاه ایران و امیر فیصل پادشاه عربستان سعودی و امثالهم در صدد ایجاد اتحادیه جدیدی بنام اتحاد اسلام هستند . سپس رفیق روستا در بارهٔ وضع غاور میانه ، عراق و عربستان جنوبی سخن گفت و آنگاه رشته کلام را به تشریح وضع ایران کشاند و گفت : «امپریالیستهای امریکا با دست شاه و هیئت حاکمه ما در کشور رژیم دیکتاتوری و فاشیستی مستقر کرده اند و هیچگونه آزادی سندیکائی ، دموکراسی نطق، بیان و آزادی مطبوعات و اجتماعات وجود خارجی ندارد . منابع ثروت و نفت ما در دست انحصارهای بین المللی در درجه اول امریکا و انگلستان است و در سال بیش از صد میلیون تن نفت ما را بغارت میبرند» . سپس رفیق روستا گفت : « شاه در مدت ۱۰ ماه اخیر صدها نفر از دانشجویان وکارگران آزادیخواه را بدون مختلف زندان انداخته و رهبران آنها را باعدام و بحبس محکوم کرده است از آنجمله دو نفر از رفقای تودهٔ کارگری ما را چنانچه گفته شد به اعدام محکوم کرده است که همینگی شما و بشریت مترقی را برای نجات آنها خواهانیم . ضمناً بایستی از ابراز همبستگی کارگران فرانسه و ایتالیا و دانشجویان ایرانی اروپا و سایرین در اینجا تشکر نمایم . »

رفیق روستا صحبت مشروح خود را با ابراز موافقت با انعقاد کنفرانس وسیع برای توسعه مناسبات اقتصادی و بازرگانی و تشکیل جلسه مشاوره زنان زحمتکش خاتمه داد .

جوانان جهان از مبارزه مردم ایران پشتیبانی میکنند

هفدهمین مجمع فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۶ تا ۱۲ ژوئن (۱۶ تا ۲۲ خرداد) در شهر سوفیه تشکیل شد . نمایندگان سازمانهای جوانان ۶۹ کشور دراین جلسه شرکت داشتند. نمایندگان چندین سازمانی جهانی و همچنین نمایندهٔ یونسکو از مدعوین جلسه بودند . تعداد نمایندگان بیش از ۱۵۰ نفر بود . در این جلسه گزارش فعالیت فدراسیون از مجمع ورشو سال ۱۹۶۲ تاکنون ، تحلیلی از زندگی و مبارزهٔ جوانان جهان مطرح شد .

نمایندگان رادامن گزارش فعالیت سازمانی خود در بحث و انتقاد شرکت نمودند . مجمع قطعنامه های سیاسی ، تشکیلاتی و برنامه عمل آینده فدراسیون را بتصویب رساند و ارگانهای رهبری را انتخاب کرد .

هیئت نمایندگی جوانان توده ای ایران بطور فعال دراین مجمع شرکت نمود . هدف هیئت نمایندگی ایران معرفی اوضاع فعلی کشور ، مبارزه مردم وجوانان فرار صلح ، دمکراسی و استقلال واقعی ، علیه رژیم ضد دموکراتیک وضد ملی ایران و جلب بلوم هر بیشتر همبستگی جوانان جهانی برای نجات زندانیان سیاسی ایران ودفاع ازجان رفقا پرویز حکمت‌جو و علی خاوری بود . سخنگوی جوانان ایران رژیم استبدادی و ترور سیاه شاه را افشاء کرد ، نقشه امپریالیستی و ارتجاعی ایجاد « پیمان اسلامی » را توضیح داد . ماهیت منفور رژیم و رفورمهای شاه را برملا ساخت و گفت که هدف این رفورمها جلب دهقان ایران فریفته سرمایه‌داری وتثبیت وضع سود امپریالیسم وارتجاع است . سخنگوی جوانان ایران توضیح داد که علیرغم اقدامات رژیم در جهت بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی تغییری در ماهیت ضد دمکراتیک و ضد ملی رژیم حاصل نشده است . پس از ذکر واقعیات معدودی از جنایات رژیم ، سخنگوی جوانان ایران همبستگی جوانان جهان را برای دفاع ازجان رفقا حکمت‌جو و خاوری خواستار شد او گفت: «هیئت نمایندگی ما ، شما نمایندگان کنگره را مورد خطاب قرار داده و تقاضا میکند که از تمام امکانات خود برای نجات زندانیان سیاسی ایران و این دو رفیق محکوم بمرگ استفاده کنید صحبت بررسیدان در میهن‌پرست شجاع ، فوق‌ولد وفادار گفت ماست ، و از هیئت‌های نمایندگی شوروی ، آلمان دمکراتیک، لهستان ، بلغارستان ، چکسلاواکی ، مجارستان و دیگر کشور های سوسیالیستی و نیز سازمانهای دموکراتیک در فرانسه ، ایتالیا ، اطریش ، عراق ، لبنان و آلمان غربی و سایر سازمانها که با این میهن‌پرستان همدردی نشان دادند تشکر کرد. سخنگوی جوانان ایران سپس ازروزگار تیره توده‌های کشور ، ازبسط بیکاری ، مشواری های تحصیل و مبارزات آنها سخن گفت و از جلب جوانان ایران بجلوی امریکا این ژاندارم بین‌المللی را در وینتام جنوبی محکوم نمود. سخنگوی جوانان در پایان سخنرانی خود روش برخی از نمایندگان را که کوشیدند جلسه را به بحث و مشاجره بیکفائده مورد انتقاد قرار داد و گفت : « ما از کسانی که اظهارات بی‌اساس را مطرح نموده وبعضی از هیئت‌های نمایندگی را مورد حملات بی‌رحمانه قرار میدهند و باین ترتیب مانع کار عادی این مجمع که بمنظور آرام کار نیاز دارد ، میشوند اظهار تأسف میکنیم و عذر میخواهیم » در خاتمهٔ نطق ، هیئت نمایندگی هدیه‌ای از کارهای صنعی استهلیان را که برای فدراسیون آورده بود تقدیم ریاست جلسه نمود .

مجمع تلگرافی برای نخست وزیر ایران ارسال داشت وخواستار اعلام رفقا حکمت‌جو و خاوری و آزادی فوری آنها را خواستار شد . در قطعنامه مجمع در باره علیرغمیکه به مبارزه جوانان و مردم ایران علیه قرارداد های نظامی ، علیه قرارداد باصطلاح اسلامی برای دمکراسی واستقلال واقعی اشاره‌شده وازفدراسیون و تمام جوانان جهان خواسته است تا به این مبارزه یاری رسانند .

بوری گاگارین و عده زیادی از نمایندگان کارت پستالهای اعتراض‌آمیز امضاء نموده واعلام کردند که در کشور های خود جنبش همبستگی با جوانان ایران را توسعه خواهند داد .

مجمع کار خود را در ۲۷ خرداد خاتمه داد .

یادی از ظهارات ۱۴ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

روز های ۱۴ و ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ ، تاریخ‌ساز مردم از رژیم شاه ، بصورت تظاهرات پردامنه تهران، قم ، شیراز ، مشهد و تبریز سرازیر شد ، هزاران نفر از مردم تهران از آزادی اجتماعات در ایام محدود استفاده نمودند و با شعار های سقوط شاه ، آزادی زندانیان‌سیاسی و تأمین انتخابات آزاد به خیابانها آمدند . عکس‌العمل شاه در برابر این تظاهرات خشن و وحشیانه بود . نیروهای مسلح در پناه تانکها به مقابله با مردم شتافتند و زن و مرد و پیر و جوان و کودک را بگلوله بستند . بروایت خبرگزاریهای خارجی دراین روز در تهران ۲۰۰۰ نفر از مردم به قتل رسیدند . شاه بسیار کوشید این کشتار بی‌رحمانه را توجیه کند ، وی مدعی شد که تظاهر کنندگان عده‌ای قزوال و ملاک و جمعی مردم فریب خورده بوده اند . مردمیکه روز ۱۴ خرداد به گلوله بسته شده بودند روز ۱۵ خرداد

بقیه از صفحه ۵

فعالیت سازمان امنیت ایران

طرف احزاب سیاسی چپ مراجعه‌ای برای کار شد و یا مطروحاتی به وی دادند آنرا به سازمان اطلاع دهد که این خود یک نوع‌زیر پنبه ایست برای وابستگی‌آتی.

در مبارزه با جنبش ، بزرگترین هدف سلولک جدا کردن نیروها و تفرقه اندازی بین آنها است . در این راه‌از هیچگونه‌تشنج تقلبی فرو گذار نمیشود . انتشار روزنامه های تقلبی ، مردم را به هیجان دارند. ولی اینگونه اقدامات‌بسیار نابخته و رسوا کننده‌است. لذا اکنون کوشش های دقیق تری بعمل می آید تا اقدامات تفرقه‌انگیز ظاهراً ریشی به فعالیت سلولک پیدا نکند و بطور غیر مرئی توسط کسانی در داخل سازمانهای‌سیاسی‌وسیاسی‌ازطریق تحریک و پروز کدمیون در مجامع و مطبوعات انجام گیرد . در موارد بسیاری این اقدامات بی نتیجه هم نمانده است . هم اکنون در یک رشته از سازمانها در نتیجه اینگونه تحریکات داخلی تماند های شدیدی بوجود آمده است .

در مبارزه کلیه سازمانهای سیاسی در مرحلهٔ اول حزب توده ایران است که هدف تحریکات خارجیکاری ها و تفرقه اندازی های سازمانهای امنیت میباشد . این نخستین دستوری است که مأموران سازمان امنیت به هریک از کارگنان خود میدهند . طرح مسائل خارجی در سازمانها و مجامع بطوریکه نیرو های مترقی و بویژه هواداران حزب توده ایران مجبور به موضع گیری‌شوند و در نتیجه شناخته گردند ، یکی دیگر از شیوه های سازمان امنیت‌است. متأسفانه‌اگر آنجا که عده کمونیسم همچنان در میان نیرو های ملی قوی است ، با سلاح مبالغات با حزب توده ایران ، تفرقه افکنی ، نزاع بین نیروهای ملی از طرف سازمان امنیت انجام‌میگیرد.

توجه باین نکته که هرگونه عمل تفرقه‌افکنانه قبل از هر چیزی در جهت خواست سازمان امنیت ایران است میتواند کمک شایانی برای جلوگیری ازآن بنماید ، خواه افراد عضو سازمان و خواه اشخاصی که باین‌عمل‌دست میزنند وخواه ازنظر برخورد عقیدانه.

بیورنیست گفته‌شود همینکه‌گروهی ازکمونیستهای آلمان غربی از حزب کمونیست جدا شدند و بفعالیت جداگانه پرداختند و برای پخش مطبوعات خود وبویژه برای رساندن آن به اشخاص چپ وکمونیست بین آنمرب میگفتند آدرس اینگونه اشخاص را پلیس یا وسائل مخالف در صدرس آنان گذارد و حال آنکه این جدا شدگان از لحاظ دعوی خود از کمونیست های منصب بحزب کمونیست انقلابی‌تر بنظر میرسیدند. راه‌باز کردن برای نشر آزادانه مطبوعات منصب به حزب کمونیست چین حتی در کشورهائی که در آن قوانین ضد کمونیستی حکمفرماست از این نظر است .

برای هر کمونیست و آزادیخواهی و برای هر علاقمند به جنبش آزادیبخش کشورش این گفته باید همواره نصب‌العین باشد که میگوید اگر دیدی عملت مشین را خوشحال کرد بدان که حماقتی در آن وجوه داشته است .

نطق رفیق رضا رادمنش

واقعی میهن خود ندارند اعتراض نموده و تقاضای لغو احکام و استخلاص آنها را نموده اند سپلدگذاری میکنند و اینبار است که بسط مبارزه اعتراض عمومی جهانی توأم با مقاومت مردم ایران رفقای ما را که در آستانه مرگ قرار دارند نجات دهد و در چنین حال از این راه گامی در جهت دفع دیو دیکتاتوریسوس جلبه ما و ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما برداشته شود .

علیرغم رژیم خاد ملی و استبدادی موجود فعالیت در میهن‌ما برای استقرار یک رژیم واقعاً ملی و دموکراتیک بسط و دامنه بیشتری میبابد و در مبارزه شهریدی که بدینطور هم اکنون در داخل و خارج کشور درگرفته است اساس یک وحدت اصولی علیه رژیم ضد ملی و استبدادی پی‌ریزی میگردد .

حزب ما و همه گروهها و احزاب و شخصیتهای ملی و دموکراتیک در کشور ما توطئه های اخیر برخی از معافل ارتجاعی خور میانه و غاور تبعیت را که با الهام امپریالیسم و در زیر ماسک دروغین اتحاد اسلام تنظم نفاق و تفرقه را در بین کشور های این منطقه می افشانند شدیداً محکوم میکنند .

ما عقیده داریم هرگونه اختلال و هرگونه تجزیه و تفرقه در صفوف ایران هرچیکه بخاطر صلح و استقلال و دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه مینمایند از جلب هر کس بطرف ما کاره و یا هر حزبی و هر پیکه ای صورت گیرد پشول تردید کمک به نیرو های ارتجاع و تهاجم و جنگ است .

مبارزه پیگیر با هرگونه افتراق و فعالیت همه جانبه در راه احیاء وحدت در اردوگاه سوسیالیسم ، در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در صفوف جنبش های رهائی بخش ملی مهمترین وظیفه‌امیست که اکنون در برابر همه کمونیستها قرار دارد . ما با اقدامات که در این زمینه از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چکسلواکی و سایر احزاب کمونیستی و کارگری صورت گرفته است کاملاً موافقیم و بر آنیم که تنها یک وحدت اصولی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم خلاق وانترناسیونالیسم پرولتری و بر اساس خط مشی مصوب جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ میتواند به تفرقه موجود پایان بخشد و راه را برای عقب‌نشینها و شکستهای تازهٔ امپریالیسم و ارتجاع هموار سازد .

ما یقین داریم که تصمیمات شما در کنگرهٔ حاضر گام مهمی در جهت حل شدن این مسئله و عالی است و از این جهت نیز پیروزی های بزرگی را برای شما آرزو میکنیم .

زنده باد حزب کمونیست چکسلواکی و سایر دوستان کنگره آن !

زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی پایگاه عمدهٔ صلح و دموکراسی و سوسیالیسم در جهان !

زنده باد دوستی خلقهای چکسلواکی وایران!

زنده باد وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری !

رادیو پیک ایران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعدازظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند .

رادیوی پیک ایران زبان گویای همهٔ میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است . رادیوی پیک ایران را بشنوید وشنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید .

و اعدامهای چند سال اخیر همه نشانهٔ مخالفت عمیق مردم و مبارزه صادقانه آنها علیه رژیم ضد ملی وضد دموکراتیک شاه است . ۱۳ سال مبارزه بدوام علیه رژیم کودتا میتواند فقط از جانب ملی هشیار ، مبارز ، مقاوم و فداکار انجام‌گیرد .

جسورتر و پیکار جوتر به خیابانها آمدند و در تظاهرات علیه رژیم ادامه دادند . شهرهای قم ، شیراز ، مشهد و تبریز به هواداری مردم تهران پایخاستند همه جا تانک و گلوله از مردم استقبال نمود . ولی مردم با مقاومت بی‌نظیر و با پیگیری در مبارزه علیه رژیم نشان دادند که برای تأمین مطالبات خود تا پای جان حاضرند . حوادث سه سال اخیر کذب ادعای شاه را دائر به «مبارزه باقدوالها» مرتجعین» باثبات رساند. علیرغم ادعای او نه تنها یک مالک یا قزوال به پای میز محکمه خوانده نشد بلکه انعطاف بیش از حد رژیم در برابر ملاکین و قزوالها و عرضه طرق گوناگون برای تأمین منافع آنها بروشنی نشان داد که شاه و ملاکان در برابر هم نیستند بلکه در کنار هم اند. تظاهرات روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد بوسیله نیروهای مسلح شاه سرکوب شد ولی مبارزه مردم ادامه یافت . دستگیریها ، محاکمات ، حبس‌ها ، تبعید ها

بقیه از صفحه ۱

«در باره مسائل فلسفی فروش هندوانه در شهرهای بزرگ»

مقاله ای که ذیلا میخوانید ترجمه بخشهائی از مقاله ایست که تحت همین عنوان در روزنامه «ژن مین ژیائو» ارگان حزب کمونیست چین و سایر روزنامه های مرکزی چین چاپ شده است. نویسنده این مقاله «جوتوسین لی» نام دارد. وی مدیر شعبه‌ای از شرکت خرده فروشی میوه و خواربار شهر شانگهای است. بولتن اطلاعاتی خبرگزاری چین بنام «خبرگزاری سین‌خوا» در شماره سه‌شنبه سی و یکم ماه مه سال ۱۹۶۶ ظاهرا بواسطه اهمیتی که برای این مقاله قائل بود خلاصه ای از آنرا در صدر کلیه مندرجات خود جای داده است.

ما بخشی از این مقاله را ترجمه میکنیم تا خوانندگان با نمونه ای از برخی روشهای شگفت‌انگیز که در جمهوری توده ای چین برای باصطلاح آشنا ساختن توده ها با اندیشه های فلسفی بکار میرود شخصا آشنائی حاصل کنند. این نوع روشها همراه با مبارزه ای که اخیرا بعنوان اجراء انقلاب فرهنگی و زیر شعار «اهریمنان افعی صفت را برویم» انجام میگیرد و منجر به دور کردن رئیس آکادمی علوم کوموئو، رئیس دانشگاه پکن، لوپین و شهردار و عضو پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین پن‌چن وعده‌ای دیگر از کار شده است حاکی از پیدایش فضای سیاسی ومنوی خاصی در چین است که نبیتوان آنرا سالم واصولی شمرد.

غرابت مقاله در آنست که گویا حتی برای حل مسئله سادهٔ فروش هندوانه در شهر های بزرگ نیتوان از عقل سالم و تجربه روزمره فیض گرفت و حتماً این کار را باید با زیر و رو کردن اندیشه های فلسفی و آنهم انحصاراً یک آثار شخص معین حل کرد. برای یاد دادن اندیشه‌های فلسفی و بطور کلی دیالکتیک مارکسیستی به توده ها (امری که ضرورت آن مورد تردید نیست)، چنانکه تجربه خلقها و انقلابها نشان میدهد، راههائی وجود دارد که هرگز دارای چنین غرابت ساده لوحانه نیست و تأثیر پایدار و عمیق آن نیز بمراتب بیشتر است. لذا این طرز عمل فاقد توجیه مقنع و منطقی است.

* * *

بهتر از هر توضیحی خود مقاله از خود سخن میگوید. خبرگزاری سین خوا در ابتدا مینویسد:

«نویسنده مقاله شرح میدهد که چگونه شعبه او راه کاهش میزان اتلاف هندوانه را در جریان فروش آن بهنگام تابستان کشف کرده است. شعبه مزبور در پرتو این امر توانست مقادیر بیشتری هندوانه را با مصارف کمتر و درآمد بیشتر بفروش برساند.

جوتوسین لی علت این کامیابی را بررسی و انطباق عملی اثر مائوتسه‌تونگ تحت‌عنوان «در باره تضاد» توضیح میدهد. نویسنده مقاله خاطرنشان میکند: «ما کشف کردیم که تضاد عمده در چیست و آموختیم که جانب عمده این تضاد را چگونه باید حل کرد».

سپس او مینویسد که در سال ۱۹۶۳ در بحبوحه فصل فروش هندوانه هرروز ۲۵۰ تا ۴۰۰ تن هندوانه به شعبه او وارد میشد» در دنباله این شرح در بولتن اطلاعاتی چنین آمده است:

«چگونه میبایست تمام این هندوانه ها را بفروش رسانید؟

جوتوسین لی مینویسد که من و رفقایم از اندیشه های موجود در اثر رفیق مائوتسه تونگ «در باره تضاد» نیروی فراوان کسب کردیم. رئیس مائوتسه تونگ خاطرنشان کرده است که: «شیئی بدون تضاد وجود ندارد». «یک‌تکی متقابل و مبارزه مدین که ذاتی هر پدیده است عامل تعیین کننده چگونگی حیات هر شیئی و هر پدیده ومحرک تکامل تمام اشیاء و پدیده ها است».

جوتوسین لی و رفقایش با خود گفتند مهمترین نکته تشخیص چگونگی تضاد ها و حل تضاد عمده از میان این تضاد ها است. آنها پس از تحقیق و بررسی معلوم کردند که تضاد عمده در فروش هندوانه عبارتست از تضاد میان مقادیر زیادهندوانه در بحبوحه فصل و کمبود نیرو هائی که بفروش آن اشتغال دارند. نمودار مشخص این امر تضاد میان کمبود مراکز فروش و نیروی کار و وسائل حمل و نقل از یکسو و انبار های کالا از سوی دیگر و نیز رهبری کار فروش است. کشف این تضاد بآنها کمک کرد دقیقاً معین کنند که حل چه مسائل و مشکلاتی را درپیش خواهند داشت».

سپس در مقاله سین خوا گفته میشود:

«رئیس مائوتسه تونگ خاطر نشان کرده است که باید: «نیرو ها را با تأمین تفوق آنها متمرکز ساخت و دشمن را جزء بجزء نابود کرد». با آنکه این اصل بتاکتیک نظامی مربوط است ولی جوتوسین لی ورفقایش این اصل را برای حل مسئله ای چون فروش هندوانه مناسب دیدند. مغازه های وابسته به این شرکت که بخرده فروشی مشغولند انواع دیگر کالاها نظیر میوه های تازه و خشک و خواربار وارده از شمال و جنوب و سیگار و مشروبات الکلی و شیرینی و بیسکویت نیز میفروشند. تصمیم گرفته شد در آرایش قوای فروشندگان در ماههای ژوئیه و اوت سال ۱۹۶۴ که هندوانه بمیزان زیادی وارد میشد تجدید نظر گردد تا نیروهای مشغول فروش هندوانه تقویت گردند» ... «در بحبوحه فصل در شبکه وسیع مراکز خرده فروشی هندوانه ۳۰۰ فروشنده بکار پرداختند. یکی از مراکز در تمام طول فصل ۳۰۰ تن هندوانه فروخت. اکثریت فروشندگان بکار هندوانه فروشی گماشته شدند...».

ویت نام

جوانی، باروانی شاد و بیمار
بپای کوهساری خانه ای داشت.
زنش، کو بود زیبا و وفادار
بدامن کودک دردانه ای داشت.
زمانی آن جوان شد تا که از دشت
بسوی خانه آرد روزی روز،
چو شد شام و ز گشت دشت برگشت
جهانی دید گرم شعله و سوز،
یکی عفریت آدمخوار سفاک
بروی مرز و بومش بر کشیده،
زنش را کشته و افکنده بر خاک
سرایش را به آتش در کشیده.
ز بام و در بلا و مرگ ریزان
برآید ضجه ها از دور و نزدیک
شده فرزند دلبندش گریزان
ز جنگ دیو در نی زاد تاریک.
جوان چون دید خاک خود ز خون رنگ
ز درد و خشم فریاد از جگر زد،
به جنگ دیو ناخوش ساخت آهنگ
چو جنگی دامن همت به بر زد.
اگر چه دیو آتش در دهان داشت
ز چنگال مهیبش خون چکان بود
ولی آن گرد، جادوئی نهان داشت
دلش بی بیم و جانش بی تکان بود.
ز مهر و کین سراپا بود نیرو
ز عزم رزم بر تن داشت جوشن
به جنگ دیو آدمخوار از اینرو
نه زانش داشت پروائی نه زآهن.
ز هر سو دیو می پیچید، آن گرد،
بر او زخمی دگر میزد به پیکر،
جوانی، چه لاغر و نرد
ظفر میکرد بر غولی تناور.
بود آن دیو امریکای خونخوار
جوان، آری، ویت نام است نامش
چنان در رزم خود چست است و پایدار
که آخر کار خواهد شد بکامش.

بقیه از صفحه ۳

تا کی دشنام؟ تا کی اتهام؟

دائمی و مکرر او راهی جز قبول نبود. این که میگویند دولت شوروی ستوان قبادی را بر اثر تقاضای سازمان امنیت تحویل دولت ایران داد، کذب محض و اتهام بیشرمانه ای بیش نیست. مادر همین شماره روزنامه مردم، بعضی از اسناد مربوط به این جریان را منتشر کردیم تا اتهام ژنان روسیاه شوند.

اما آنچه در باره توقیف دو تن از دانشجویان ایران، در جمهوری دموکراتیک آلمان و نقش حزب توده ایران در این جریان نوشته میشود، باز جز اتهامی بیش نیست. توقیف دو تن دانشجوی ایرانی در جمهوری دموکراتیک آلمان مطلقاً به حزب توده ایران مربوط نیست. این دو نفر، بدنبال نقض مقررات مرزی جمهوری، توقیف شدند. مسئول این جریان کسانی هستند که آنها را باین اقدام تشویق کرده اند. مسئول کسانی هستند که از حسن نیت و شور و علاقه جوانان کشور ما در جهت اجرای مقاصد سوء خویش استفاده میکنند. چرا نویسندگان جبهه ملی نمیخواهند حقایق را به بینند از تحریف و تقلیب واقعیات چه نتیجه ای عاید میشود؟

ما همانطور که بارها گفته‌ایم، هوادار اتحاد و وحدت عمل تمام نیروهای ملی و ضد استعمار در مبارزه بر ضد رژیم ضد ملی - ضدموکراتیک کنونی ایران هستیم. کوشش برای اتحاد و وحدت عمل مستلزم قطع بحث و انتقاد اصولی نیست. ولی بحث و انتقاد اصولی فحاشی و اتهام زنی نیست. در ایران روزنامه های وابسته به رژیم باندازه کافی به حزب توده ایران اتهام میزنند. ما توصیه میکنیم که حد اقل از کانهائی که بنام جبهه ملی نشر میشوند با آنها همصدائی نکنند. همصدائی با آنها مفهومی جز آب ریختن به آسیاب دشمن مشترک ندارد.

در اینجا مقاله ازچارچوب مسائل فلسفی خارج میشود و باین نتیجه میرسد که مسئله فروش هندوانه بدینطریق در تابستان مورد بحث حل شد و این امر، هم بشترپان و هم به هندوانه‌کاران کمون روستائی سود رساند.

بقیه از صفحه ۱

کنگره جبهه‌ملی (بخش امریکائی)

استثناء های ما ، مجلس های قلابی نظیر آنچه می بینم درست میکند ، ثمره ای جز آنچه نتیجه کارما داشته است ، نخواهد داشت. و بعد از بنجمال مبارزه ، در شرایطی کم و بیش نظیر آنچه در ۱۳۳۹ بوده ایم، قرارمان داده است . تطبیق شرایط مبارزه دلیرانه ای که دکتر مصدق در شروع نهضت ملی شدن تفت کرد با شرایط کنونی داخل و خارج ایران و در نتیجه، تجویز روشی چون انتخابات آزاد ، نشانه عدم اطلاع از وزن گیهای زمان ما و شرایط حاضر مبارزه است.»

بدین ترتیب باختر امروز صریحاً پی تری شیوهٔ پارلمانی و انطباق ناپذیر بودن این شیوه را بر شرایط مشخص امروزی ایران ذکر میکند و از «بن بست» راه پارلمانی و «انتخابات آزاد» در شرایط اختناق آور رژیم کودتا سخن میراند. اما راهی که کنگره جبهه ملی ایران در امریکا ارائه میدهد چنین است :

«استقرار حکومت ملی و احیای سنن انقلابی مشروط با تجهیز وسیع نیروهای توده برای انداختن سلطه استعمار و آزمایش برداشتن دستگاه حاکمه استبدادی متکی بآن.»

لذا ، « تجهیز وسیع نیروهای توده» بمنظور برانداختن سلطه استعمار و استبداد و استقرار حکومت ملی و احیاء سنن انقلابی مشروطه راه و هدفی است که جبهه ملی (امریکا) در برابر خود نهاده است . بدون تردید این گامی است مثبت و بجلو . هدف در اینجا دیگر استقرار «حکومت قانونی» نیست ، چیزی که معنائی مبهم دارد، بلکه هدف استقرار حکومت ملی، ضداستعماری و ضداستبدادی است . راه هم راه «انتخابات عمومی و آزاد» نیست که بشهادت تجارب متعدد و انتخابات معروف به «تابستانی و زمستانی» چیزی جز مضحکه تقلب آمیز دربار نیست ، بلکه راه عبارتست از اتکاء بتوده ها ، تجهیز آنها ، سوق آنها بمبارزه . انعکاس رادیکالیسم توده های ایران در سازمانهای جبهه ملی موجب آن شد که این جبهه از پندار بافی پارلمانی و مطلق کردن شیوه های قانونی و علنی مبارزه دست کشید و بسوی طرق انقلابی روی آورد .

ما ازاین جریان بدو جهت خرسندیم .

نخست از این جهت که جبهه ملی ایران در امریکا هدف و راهی را در برابر خود میگذارد که بیش از پیش بهدف و راهی که حزب ما در مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیك درپیش خود نهاده مشابه میباید. تردیدی نیست که فرمولبندی ما در این زمینه از جهت علمیت خود غنی تر و صریح تر است. ما بعنوان هدف از استقرار حکومت ملی و دموکراتیك که برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی، دموکراسی سیاسی و اقتصادی مبارزه کنند سخن می گوئیم.

ما بعنوان راه از توسل به اشاگری وسیع علیه رژیم مسلط بمنظوربسیج توده ها وسوق آنها بسوی انواع اشکال مبارزه از مسالمت آمیز تا قهر آمیز ، از علنی تا مخفی ، از سیاسی تا مطالباتی سخن میگوئیم . ولی غناء و دقت فرمولبندی ها با همه اهمیتی که دارد این نکته را نباید بپوشاند که در ماهیت نزدیکی زیادی بین ما و جبهه ملی در تعیین هدف و راه مبارزه در دوران کنونی پدید شده است .

دوم اینکه این شباهت راه و هدف ناچار منطقاً باید به تحقق وحدت عمل سازمانهای ما که مهمترین سازمانهای سیاسی در ایرانند کمك کند . شباهت هدف و راه، یکی بودن دشمن ، یکسانی رنجها و فرمانها ـ بهترین ضامن ها ، بهترین پایه های وحدت عمل است. چرا این وحدت عمل تاکنون انجام نگرفته است ؟ هر بهانه ای هم که آورده شود ، قابل انکار نیست که مسئولیت این وضع به گردن آن عدهٔ از دوستان جبهه ملی است که نه فقط در این زمینه گام مثبتی برنمیدارند بلکه دست باقدامات منفی نیز میزنند . برای این روش میتوان علل متعددی ذکر کرد ، ولی مسلم است که یکی از علل مؤثره عبارت است از آنتی کمونیسم . تصور آنکه این آنتی کمونیسم میتواند «ضامن سیاسی» پیروزی جبهه ملی در صحنه سیاست ایران (از طریق جلب پشتیبانی دولتها و طبقات ضد کمونیست) باشد ، در نزد برخی از دوستان جبهه ملی علت اساسی عدم توافق آنها با وحدت عمل نیروهای ضد رژیم و بویژه وحدت عمل توده‌ای و مصدقی است . آنتی کمونیسم پندار باطلی است که سیر زمان نادرستی آنرا افشاء خواهد کرد .

اگر سازمانهای جبهه ملی در اروپا و امریکا پس از گام مثبتی که در زمینه ردپکال کردن هدف و راه برداشته اند ، گامی مؤثر و مشخصی نیز در جهت وحدت عمل نیروهای مترقی ضدرژیم بردارند وسیاست بقاء درموضع تفرقه خانه دهند، مسلماً روز رستاخیز کشور ما را نزدیکتر ساخته اند . روزی که چنین وحدت عملی اعلام گردد ، خود نیروی معنوی آن شکستی بزرگ بر برای قوای اهریمنی استعمار و ارتجاع خواهد بود.

ما بارها گفته ایم و بار دیگر میگوئیم. ایوژیسیون علنی رژیم ، صرفنظر از سمت و محتوی سیاسی آن ، نیروی مصنوعیی است که بمخیرا کندهاست. امپریالیسم وارتجاع بکمك عمال آشکار و نهان خود و بکمك شیوه های معیلانه خویش باین نفاق دامن میزنند و به بقاء آن علاقه حیاتی دارند . اگر این مقدمه درست است، پس درست است که تنها اقدام صحیح از طرف ایوژیسیون ضد رژیم عبارتست از عمل در جهت خلاف تمایل استعمار و استبداد ، در جهت وحدت عمل نیروها . این یك قضیه بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد. ولی این قضیه بدیهی نه تنها عملا پیش نمیرود و نظریات تنگ و پهانه های کوچك و «مصالح» دسته ای و گروهی و محاسبات شخصی و انواع انگیزه های ناسالم تحقق این هدف را مانع میشود، بلکه هرروزه بر تفرقه صفوف سازمانها افزوده میشود و در درون خود این سازمانها نیز گسرهبندیهای جدید پدید میگردد. با این برآکند گی نیتوان بر رژیم کودتا که اینك در کار خود کسب تجربه کرده است پیروز شد و قطعنامه های سودمند وتعیین شعارها و هدفها و راههای صحیح و حتی جانبازانها وفداکاریهای جداجدا نیز قادر به تأمین پیروزی نخواهد شد. هیچ مصلحتی بالا تر از مصلحت وحدت نیروها نیست. این ضرورت قاطع جنبش رهائی بخش ایران در زمان ماست . ا. سپهر

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دادگاه تجدید نظر نظامی علیرغم اعتراض در جهان، و ایران حکم جابرانه دادگاه بدوی را مائو به محکومیت رفقا پیروز حکمت‌جو و علی خاوری به اعدام تأیید کرد . برای صدور چنین حکم جابرانه‌ای هیچگونه دلیل و محمل قانونی وجود نداره . تنها یك رژیم خود سری و جبر و قلدر که دشمن اندیشیدن آزاد ، دشمن اعتبارات و شخصیت بشری است میتواند دیهن پرستلی بیگناه را بجرم عشق یك‌عقلال و دمو کراسی بمرگ محکوم کند .

مردم ایران ! مردم جهان ! جان علی خاوری و پیروز حکمت‌جو درمعرض خطر جدی است . اگر مبارزات وسیعی که طی ماههای اخیر انجام گرفته با قدرت و شدت بیشتری ادامه یابد میتوان دست جرخیم را بلا داشت و جان این دو فرزند ارجمند مردم ایران را نجات داد . ما خواستاریم که کلیه رفقای حزبی ، کلیه سازمانها و افراد مترقی ، در هر جا که هستند ، با هر وسیله ای که در اختیار دا ند مبارزه برای نجات جان علی خاوری و پیروز حکمت‌جو را با تمام قوا تشدید کنند .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران.

رویداد ها ـ یادبود ها

در پانزدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان

پانزدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان از هفتم تا یازدهم ژوئن ۱۹۶۶ در اولان باتور برگزار شد . کنگره گزارش کمیته مرکزی را که بوسیله رفیق سودپال قرائت شد مورد بحث قرار داد . فعالیت سیاسی و عملی کمیته مرکزی درجلسه‌های چهارمین نقشه پنجساله جمهوری خلق مغولستان را تأیید نمود و برنامه جدید حزب را که برنامهٔ تکمیل ساختمان سوسیالیسم درجمهوری مغولستان است تصویب کرد .

نمایندگان ۳۹ حزب مارکسیست ـ لنینیست از انجمله نمایندهٔ حزب توده ایران رفیق دکتر حسین جودت عضوکمیته مرکزی و همچنین نمایندگان چند حزب دموکراتیك ملی در این کنگره شرکت داشتند . همهٔ شرکت کنندگان کنگره لزوم اتحاد وحدت صفوف جنبش کمونیستی و کارگری جهانی را متذکر شدند و پشتیبانی کامل خود را از مردم زنجر دیده ویت نام که قهرمانانه علیه امپریالیسم تجاوزگار آمریکا مبارزه میکنند، اعلام داشتند .

نماینده ایران رفیق جودت در این کنگره سخنرانی کرد . وی پس از بیان پیشرفت های درخشان خلق مغولستان و اظهار اعتماد بآنکه کنگره حاضر برای تبدیل مغولستان به یك کشور صنعتی ـ کشاورزی نقش مهمی ایفاء خواهد کرد به توصیف وضع ایران پرداخت و ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیك رژیم کنونی ایران ولی پیگیر مردم‌ایران را برای استقرار یك حکومت ملی و دموکراتیك توضیح داد . رفیق جودت سپس گفت وضع جهان و مبارزات مردم محافل حاکمه ایران را مجبور کرده است که برای حفظ خود و بعقب انداختن انقلاب ایران به اصلاحاتی دست زنند که مهمترین آن اصلاح ارضی است که مناسبات سرمایه داری را در روستای ایران بسط میدهد . رفیق جودت پس از بیان تغییراتی که در سیاست خارجی دولت ایران ازجهت بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی بروز کرده است تصریح کرد که این رفورمها و تغییرات بوجوه ماهیت رژیم را که متکی بر امپریالیستهای امریکائی و انگلیس و بر تروریسم است تغییر نمیدهد . تنها طی یکسال گذشته دادگاه های نظامی ۳۲ حکم اعدام صادر کرده و در ۲۰ مورد این احکام اجرا شده است . رفیق [illegible] همبستگی اعضاء کنگره و خلق مغولستان را برای دفاع از جان رفقا حکمت جو و خاوری خواستار شد . در پایان سخنرانی خود رفیق جودت ازمبارزه عادلانه خلق ویت نام علیه امپریالیسم درکده امریکا پشتیبانی کرد . وی خواستار احیاء وحدت کامل در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری جهانی بر پایهٔ مارکسیسم ـ لنینیسم و بر اساس مشی عمومی مصوب احزاب کمونیستی و کارگری در جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ شد و گفت : «حزب ما از کلیه اقداماتی که در این جهت از طرف حزب پر افتخار کمونیست اتحاد شوروی و حزب انقلابی خلق مغولستان و احزاب برادر دیگر بعمل آمده است کاملا پشتیبانی میکند.

در سی و دومین اجلاسیه فدراسیون سندیکائی جهانی

۲۷ مه ۱۹۶۶ سی و دومین دورهٔ اجلاسیه کمیته اجرائیه فدراسیون سندیکائی جهانی در شهر نوکوپا (پایتخت قبرس) تشکیل بود . رفیق رحما روستا عضو این کمیته در بحث که در اطراف گزارش پیر جانوس و سیلوستر دیران فدراسیون

بقیه در صفحه ۶